

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۹، پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸
شماره ۱۵ ربال

روز کارگر به جشن عمومی تبدیل شد

نفر در سراسر کشور در این جشن شرکت کردند. بعد از سالیان دراز رنج، زندان، شکنجه و اعدام، بعد از سالهای بسیار که برگزاری روز اول ماه مه، مثل هر چیز و همه چیز مردمی ممنوع بود، پیروز، زیر آفتاب زیبای بهاری، نام کارگر سراسر خیابانها را انباشت و نسیم دلنشین بهاری بر پلاکتهائی وزید، که خطوط درشت روی آن خواستهای کارگران را اعلام می کرد.

شهر یکسره، زیر گامهای نیرومند کارگران به لرزه درآمد و موج در موج، بانگ کارگران قهرمان ایران بهم پیوند خورد و با صدای جهانی کارگران درهم آمیخت.

صبح با سروهای کارگری پیوند خورد. از طرف حزب جمهوری اسلامی ۶ نقطه تهران برای تجمع و حرکت کارگران در نظر گرفته شده بود. نزدیک ساعت ۶ صبح جمعیت وسیعی در این نقاط گرد آمدند. کارگران همجا مرکز نقل و اداره کننده بودند. چهره مصمم و از رنج سوخته کارگران، همجا دیده می شد. اینجا و آنجا، کارگران صفوف را نظم می دادند، جای پلاکاتها را تعیین می کردند، انتظامات را شکل می دادند، شمارها را بخش می کردند و تدارک برگزاری جشن بزرگ کارگری را میدیدند.

ساعت ۹ صبح صفوف کانون از ۶ نقطه تهران به حرکت درآمد. از جنوب تهران، از میدانهای شوش و راه آهن، صف طولانی و منظم کارگران، زن و مرد، با شعارهای خود خیابانها را می انباشتند و پیش می رفتند. در ضربکوب پاها، این

نقشه در صفحه ۳

میلیونها نفر در سراسر کشور در تظاهرات و راهپیمائیها و جشنهای اول ماه مه شرکت کردند

روز کارگر، روز اول ماه مه، باشکوه و گسترده تمام تر برگزار شد. میلیونها



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

**با تحکیم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی،
ضد انقلاب راه چاق تر افشا، منفرد و سرکوب کنیم
دسیسه های فریبنده سازشکاران را بر ملا کنیم و عقیم گذاریم.
دستاوردهای انقلاب را تحکیم کنیم و در جهت خواستهای
اکثریت مردم گسترش بخشیم.**

تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما

تلاش ضد انقلاب

در هفته ها و به ویژه در روزهای اخیر، در فضای سیاسی میهن ما حوادثی روی داده و جریاناتی جان گرفته اند که محتوی شان به طور روشن در جهت تضعیف دستاوردهای انقلاب تاریخی مردم است.

فعالیت آشکار نیروهای ارتجاعی و دستهای ضد انقلاب در حوادث سندج - نقده - گنبد، توطئه ای که علیه آیت الله طالقانی بوجود آمد، تظاهرات وسیعی که به بهانه مقاله ای از آیت الله خلخالی، در جهت تضعیف رهبری امام خمینی و جنبش، در تبریز و تهران و مشهد به راه افتاد و ترور سرلشکر قره نای نیز باید نمونه ای از این فعالیتها به شمار آورد.

به دیگر سخن، از یک سو ما شاهد آن هستیم که نیروهای ضد انقلاب در داخل و خارج کشور فعالیت های خرابکارانه خود را به طور چشمگیر گسترش می دهند و از سوی دیگر آن نیروهائی که بنا بر انگیزه های طبقاتی شان در جریان گسترش جنبش انقلابی مردم ایران به طور ناپی گیری و ناقطع شرکت داشته اند، فعال تر شده و بی گوشه از گسترش انقلاب در جهت خواستهای توده های میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا جلوگیری نمایند. نیروهای جهانی دشمن انقلاب ایران، یعنی محافل امپریالیستی غرب و بویژه امپریالیست های امریکائی و صهیونیست ها، همه نیروی جهنمی خود را در جهان به کار انداخته اند تا جو نامساعد تبلیغاتی علیه انقلاب ایران به وجود آورند. جاسوسان امپریالیسم در ایران، با همکاری با جنایت کاران ساواک و پشتیبانی همه جانبه محافل وابسته به امپریالیسم در ایران، هر روز فعالیت خود را برای ایجاد بحران های گوناگون و خراب کاری در راه عادی کردن و تجدید سازمان زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی کشور و ناراضی ساختن و ترساندن از انقلاب گسترش می دهند و در این راه از هیچ جنایتی و هیچ بهانه تراشی برای برادر کشی میان خلقها و ترور و آدمکشی مبارزان انقلابی روگردان نیستند.

بقیه در صفحه ۵

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما ترور آیت الله مرتضی مطهری، عضو
شورای انقلاب را به شدت محکوم
می کنیم

شب چهارشنبه، آیت الله مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب و یکی از متفکران برجسته روحانی، ترو شد. این جنایت تازه، که بدون تردید جزئی از توطئه های جنایتکارانه امپریالیسم و عمال ایرانی آنها بر ضد انقلاب ایران است، بار دیگر به همه مردم، به همه نیروهای انقلابی و به دولت هشدار می دهد که می باید بر ضد توطئه های جنایت بار امپریالیسم و عمال ایرانی آنها هوشیار بود، متحد شد و قاطعانه عمل کرد.

ما ترور خاتمانه آیت الله مرتضی مطهری را به شدت محکوم می کنیم، به خانواده ایشان صمیمانه تسلیت می گوئیم و مصرانه از دولت می طلبیم که به پیروی از رهنمودهای امام خمینی، توطئه گران جنایتکار را بی رحمانه افشا و سرکوب کند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۲/۱۲

نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

به مناسبت بیست و یکم اردیبهشت، سالروز شهادت خرو روزیه، قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نمایشگاهی به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران تشکیل خواهد شد. از همه هواداران و دوستان حزب، از همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران، از همه مصلحین خواهشمندیم عکس و هر اطلاعی درباره زندگی، پیکار و شهادت مبارزان شهید دارنوی یا می توانند به دست آورند، هر چه زودتر در اختیار دفتر «مردم» قرار دهند.

با سپاس فراوان
مردم

مردم ایران چشم به راه آنجنان قانون اساسی هستند که هدف های انقلاب آن ها را منعکس سازد

پس از انتشار بخشی از طرح قانون اساسی جدید در برخی روزنامه ها، به نظر می رسد که دوران انقلاب برای انتشار این طرح، که زیاده به پذیر کشیده است، به پایان رسیده و طرح دیگر آماده است، ولی تکذیب بعدی نشان داد که چنین نتیجه گیری عجولانه بود.

تکذیب رسمی دائر به آن که طرح ناقص نشر یافته در «کیهان» و «آیندگان» هنوز طرح اصلی نیست، دو احساس را برانگیخت: اول نوعی ناخرسندی دائر بر این که: «بالاخره این طرح کی حاضر می شود؟ آیا صلاح است، در ایامی که ضد انقلاب از فقدان چنین سندی حداکثر استفاده

را می کند و نسبت به انقلاب و نتایج و دورنمای آن بندریاس و تگرانی می افشاند، اینکار بازهم برای مدت نامعینی به تعویق بیافتد؟» دوم نوعی احساس خرسندی زیرا طرح ناقص نشر یافت، با آنکه متضمن نکات مثبت متعددی بود، ولی نمی توانست در خور یک سلسله انتقادات جدی نباشد. بین برخی احکام و مواد این طرح ناقص تکذیب شده، تناقضات تعجب آور وجود داشت.

مردم ایران با بی صبری انتظار دارند که در آینده ای هر چه نزدیک تر، طرح کامل قانون اساسی جدید، با نکات و جنبه های از فقدان چنین سندی حداکثر استفاده

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فدکاریهای اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه مندند، به حزب طبقه کارگر ایران باری خواهند رسانند.

کمک مالی را می توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه مندان می توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

شماره حساب بانکی: ۴۴۴۲، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران،
شاه اسماعیل صفوی، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی، تلفن: ۹۴۵۷۲۸ و ۹۴۴۴۵۹

چرا قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا ملغی اعلام نمی شود

قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا هنوز ملغی نشده است. همه مردم به حق انتظار داشتند که دولت هزمان با اعلام خروج ایران از پیمان تجاوزی امپریالیستی ستو، قرارداد دوجانبه نظامی و نیز کلیه دیگر قراردادهای و متاوله نامه های نظامی با آمریکا را ملغی نماید. یکی از این قراردادهای پر شمار، «قانون» واگذاری مصونیت قضائی و سیاسی به مستشاران امریکائی است که در سال ۱۳۴۳ به دست دولت شه فرموده منصور از ماشین رای گیری مجلس ذلیل و مامور (ولی نه معذور) گذشت و مردم به درستی آنرا احیای کاپیتولاسیون نامیدند.

قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا - بدتر از پیمان ستو - سند اسارت ایران است. امپریالیسم توسعه طلب و متجاوز آمریکا آنرا در زمانی به دست شاه مخلوع بر ایران تحمیل کرد که کشور عراق، پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸، از «پیمان بنده» خارج شد و این پیمان، که نام ستو بر آن نهاده می رفت که از هم باشد. قرارداد دوجانبه باعث شد که نه فقط ستو بماند و عضویت ایران در آن حفظ گردد، بلکه ارتش ایران مستقیماً به ارابه جنگی امپریالیسم آمریکا زنجیر شده و سیاست خارجی کشور ما تابعی از سیاست آمریکا گردد. اگر در پروتکل سری پیوست پیمان ستو قید شده است که فرودگاهها و پایگاه های نظامی هم پیمانان (آسیائی) به هنگام لزوم در اختیار هم پیمانان (امریکا و انگلیس) قرار می گیرد، در قرارداد دوجانبه، به ایالات متحده آمریکا «حق» داده شده است که برای دفع خطر «تجاوز غیر مستقیم» (یعنی جنبش انقلابی آزادی - بخش خلق ایران) می تواند ارتش به ایران گسیل دارد. یک چنین قراردادی، که سر می هست و خدا می داند مواد آن چه فضاحتی است، هنوز ملغی نشده است. تملل در امضای قرارداد دوجانبه و دیگر قراردادهای نظامی با ایالات متحده آمریکا، نه فقط باعث شکستی، بلکه مایه نگرانی مردم است، زیرا باعث دلگرمی و مایه امیدواری ضد انقلاب است. به این

بقیه در صفحه ۳

در این شماره می خوانیم:

- ۱ اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۲ از تاریخ بیاموزیم، آنچه «غیر قانونی» بودن حزب توده ایران نامیده اند یک توطئه جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است.
- ۱ مردم ایران چشم به راه آنجنان قانون اساسی هستند که هدف آنها را منعکس سازد
- ۱ روز کارگر، به جشن عمومی تبدیل شد.
- ۱ چرا قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا ملغی اعلام نمی شود.

ایران در هفته‌ای که گذشت

پیش به سوی تشکیل شوراها

نخستین شورای منتخب شهر، سرانجام پس از پشتسر گذاشتن تمام موانعی که ضدانقلاب و ارتجاع بر سر راه آن به وجود آورده بود، این هفته کار خود را در سنجج شروع کرد.

این شورا، علی‌رغم کمی‌ها و کاستی‌های احتمالی آن، عملاً نشان داد که وقتی زمان خدمت به خلق فرا می‌رسد، تمام کسانی که صداقت لازم را دارند، با هر نوع اندیشه و تفکر سیاسی و مذهبی، می‌توانند و باید در کنار یکدیگر قرار گیرند و ضمن خدمت به خلق، سدی به استواری حقیقت و پایداری، در برابر ارتجاع و ضد انقلاب بکشند. ما نیز، همانند دیگر نیروهای مترقی، ایمان داریم تشکیل شوراها و سپردن کار مردم به دست خود آنها، یگانه راه پایان دادن به توطئه‌های ضد انقلاب برای برپائی جنگ‌های منطقه‌ای در ایران است. به همین دلیل می‌گوییم: پیش به سوی برگزاری انتخابات شوراها و روستا در سراسر ایران، در چارچوب حل مسأله ملی ایران!

مدارک را فاش کنید

سختگوی دولت، در این هفته، در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خویش، برای نخستین بار اشاره به مدارک موجود درباره جاسوسی کشورهای دیگر در ایران و ورود اسلحه به داخل ایران برای ایجاد بلوا و آشوب کرد و در زمینه کارشناسی عواملی مشکوک برای جلوگیری از ادامه کار کارخانه‌ها، خبری را در اختیار جراید گذاشت که به نظر ما بسیار بسیار بهجا و آگاهی از آنها برای مردم ایران لازم است. این اخبار با یکدیگر پیوند ناگسستی دارند و حکایت از توطئه‌ای جهانی برای برپائی جنگ خانگی در ایران و زمینه‌سازی برای جدا کردن قسمتی از خاک ایران را دربر دارند. ارتباط این توطئه جهانی با حوادث داخلی ایران، که سختگوی دولت به آن اشاره کرد، از آنجاست که عواملی سعی دارند از بازسازی کشور جلوگیری کنند و با فلج کردن کشور از نظر اقتصادی، زمینه لازم را برای شورش و بلوا و اغتشاش فراهم کنند. امام خمینی نیز اخیراً در تمام سخنرانی‌ها و پیام‌های خویش به این مسأله مهم اشاره کرده‌است. ما نیز، مانند همه مردم وطن‌پرست ایران، بی‌صبرانه در انتظار افشای این عوامل توسط دولت و بر ملا کردن مدارک موجود در این زمینه هستیم.

آغوش ایران برای کشورهای مترقی و انقلابی باز است

سفر دو هیئت از دو کشور انقلابی «کوبا» و «لیبی» به ایران و مذاکراتشان با رهبران انقلاب ایران از سویی و قطع رابطه ایران با کشور مصر به دلیل اعضای پیمان‌ننگین به اصطلاح صلح سادات - اسرائیل، این امید را همراه دارد که رژیم انقلابی ایران آغوش خود را برای آن کشورها و رهبرانی گشوده است که در تمام طول سال‌های سیاه گذشته، دوستی با خلق قهرمان ایران را به قرار گرفتن در کنار رژیم مزدورپهلوی ترجیح دادند. انتشار خبر مربوط به سفر قریب‌الوقوع وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک خلق چین، که در سال‌های گذشته شاید بیشتر از هر کشور منطقه از رژیم شاه مخلوع ضربه دیده است، به ایران این امید و خوشحالی را برای خلق ایران کامل می‌کند. یمن انقلابی در سال‌های گذشته یکی از هدف‌های توطئه‌های سوم رژیم شاه مخلوع در منطقه خلیج فارس بوده است و در تمام مدتی که این کشور از سوی تمام کشورهای جهان به رسمیت شناخته شد، رژیم شاه مخلوع با آن ارتباط دیپلماتیک نداشت.

ما معتقدیم رژیم انقلابی ایران برای برقراری و تحکیم ارتباطات خود با کشورهای انقلابی منطقه و جهان، هرگونه دسیسه احتمالی ارتجاع داخلی و خارجی را در این زمینه باید درهم کوبد و در صورت امکان از تجربیات این کشورها برای رفع مشکلات موجود ایران، که خاص هر انقلابی است، استفاده کند. ما از سخنان به حق عبدالسلام جلوه، نخست‌وزیر لیبی یاد می‌کنیم که در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران گفت: «ما با دل‌هایی پر از صفا و صداقت و صمیمیت به سوی شما آمده‌ایم تا دست‌های یکدیگر را بشماریم. وقتی می‌خواستم به ایران بیایم همه مردم لیبی می‌خواستند بیایند، حتی پیرزنان و پیرمردان. شما ملت مبارز و قهرمان ایران باید آگاه باشید که هنوز دست‌های امروز استعمار، سیاه ارتجاع، طرفداران و سرپرستان رژیم سابق

و دیگر دشمنان خلق‌های مسلمان همچنان در کمین‌اند تا به انقلاب شما ضربه بزنند و انقلابتان را از مسیر واقعی‌اش دور سازند. هم قسماً به رژیم پهلوی و آنان که همواره در خدمت امپریالیسم بوده و هستند نیز همچنان مترصد فرصت‌اند و این بیداری و آگاهی و مقاومت و آمادگی شماست که می‌تواند تمام دسایس و حیل‌های گوناگون آنان را خنثی کند.»

مهاجرین سیاسی باید به وطن باز گردند

هزاران تنه دیدار وطن، که در طول حکومت جبارانه رضاخان سفاک و پسر خونریزش مجبور به ترک وطن شدند، همچنان برای بازگشت به ایران لحظه شماری می‌کنند و در انتظار تهیلاتی هستند که دولت می‌بایست برای بازگشت آنها به ایران فراهم آورد. آنها نیز مانند میلیون‌ها ایرانی می‌خواهند در کنار برادران و خواهرانشان در سازندگی ایران فردا سهیم باشند. دولت برای بازسازی میهن غارت شده و بهیضا رفته توسط رژیم گذشته به تخصص و نیروی آنها نیاز دارد.

در همین زمینه آقای رحمت‌الله مقدم مرغه‌ای استاندار آذربایجان، این هفته، در گفتگویی که در مطبوعات داخلی چاپ شد به درستی گفت: اگر در گذشته مهاجرین و ایرانیان مقیم کشور شوروی تحت فشار رژیم از ایران رفته‌اند، دلیلی ندارد جلو آنها را بگیریم. این‌ها ایرانی هستند و حق بازگشت به وطن خود را دارند. گذشته از این ممکن است این افراد تخصص‌هایی داشته باشند که مورد استفاده ما باشد.

ما ضمن تأیید گفته‌های آقای مقدم اضافه می‌کنیم که مرز میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی، حتی در سخت‌ترین شرایط که رژیم شاه هرگونه بیان دوستی خلق‌های دو کشور را سرکوب می‌کرد، در دل مردم دو کشور، مرز دوستی و برادری بوده‌است. ایرانیانی که در زیر فشار شدید رژیم شاه مجبور به ترک وطن شدند، برای زندگی در مهاجرت خود از همین دوستی و برادری سود بردند.

پاسخ دندان شکن به عضو بین‌المللی

امام خمینی در این هفته یکبار دیگر جواب دندان شکنی به سازمان‌ها و جمعیت‌هایی داد که این روزها دایه دل‌سوز تر از مادر شده‌اند و برای نجات مشتاقان و غارتگران از جنگ دادگاه‌های انقلابی جنجالی می‌کنند، همان سازمان‌ها و جمعیت‌هایی که تا چندی قبل در مقابل وحشیانه‌ترین جنایات رژیم سرنگون شده شاه - ساواک مهر سکوت بر لب زده بودند و هر بار که گزارشی از موارد نقض حقوق بشر در جهان برای کنفرانس‌ها و سمینارها تهیه می‌کردند ایران را به فراموشی می‌سپردند و برای نشنیدن فریاد خشم و عصیان خلق ایران زبانه در گوش می‌کردند.

امام خمینی در پاسخ به یکی از مقامات سازمان عفو بین‌المللی به درستی گفت: «آیا می‌دانید که بیش از ۵۰ هزار نفر در زیر تانک‌ها و در برابر رگبار مسلسل‌ها در سال گذشته کشته شدند؟ آیا می‌دانید که این جلاخان شیاطینی بهترین و عزیزترین جوانان ما را در شرایطی دردناک و در سول‌های زندان در این ۵۰ سال تاریخ کشته‌اند؟ آیا لحظه‌ای فکر کرده‌اید که چگونه هزاران خانواده بدون نان‌آور مانده‌اند و به هزاران پدر و مادر داغ‌دیده فکر کرده‌اید؟ آیا آنها انسان نبودند؟ آیا آنها شایسته شفقت نبودند؟ آیا درباره هزاران نفر از مردمی که این جنایات کاران آنها را مثله کردند و باید در سراسر زندگی خود ناقص‌العضو بمانند فکر نمی‌کنید؟»

امام خمینی در همین پاسخ به حق و مستدل خود، با اشاره به نامه‌ای که کمیته عفو بین‌المللی برای وی نوشته و تقاضای متوقف شدن اعدای انقلابی را کرده، گفت: «اندکی فکر کردن بهتر از نامه نوشتن به‌ماست.»

به راستی هم اندکی اندیشیدن درباره جنایات بی‌حساب رژیم شاه - ساواک، حتی برای چند دقیقه‌ای، هر انسان واقعی را از تصور هرگونه چشم‌پوشی و اغماض درباره جنایات کاران و غارتگران و سرپرستان رژیم سرنگون شده پهلوی منصرف می‌کند. ما همراه با تمام خلق ستم‌کشیده ایران یکبار دیگر تأکید می‌کنیم که کار دادگاه‌های انقلابی بدون وقفه باید ادامه یابد، و همزمان با آن، جزئیات دادگاه‌ها و اطلاعات به دست آمده از دستگیر شدگان در طول بازجویی‌ها، با مدارک و شواهدی که بی‌شک در اختیار است، باید در معرض افکار عمومی قرار گیرد تا همه جهانیان بدانند، آنها که به جوخه اعدا سپرده می‌شوند محکومین دادگاهی به‌بزرگی تمام ایرانند.

اول ماه مه

غلامحسین متین

۱ ماه مه! ماه شادمانی جان
ماه جشن و سرور کارگران
با تو آغاز می‌شود شادی
پرتو دنلو از آزادی
سال‌ها پیش در زمین بزرگ
کارگر بره بود و دارا کرگ
خوش اش، ولی اجافش سرد
سفره‌اش خالی و دلش پر درد
دست در کار، پای در زنجیر
همه‌جا کارگر: کرسنه، فقیر
ناگهان ماه مه غریو کشید
کارگر در میان خون غلثید
شعله‌ای پای تیرگی جان داد
هیچ ویرانه‌ای نشد آباد
باز دنیای دردناک کهن
بر سر خلق گشت سایه فکن
جنبش کارگر زجوش افتاد
دست و پائی نشد ز بند آزاد
باختر دم گرفت و شد خاموش
سرب و آتش گرفت راه خروش

۲ سرب و آتش اگرچه جانسوز است
حق و ایمان، همیشه، پیروز است
حق و ایمان سلاح کارگر است
زین سبب بدرکار - بارور است
ماه مه سال‌ها رسید و گذشت
میوه‌ای، حاصلی نچید و گذشت
ناکهان شرق زنده بیدار
شرق گهواره تمدن و کار
پرچم سرخ را گرفت به دست
راه ظلم و ستمگری را بست
سرخ اکتبر جاودانه رسید
دژ خودکامگی به خود لرزید
غرش خشمناک کارگران
هدف خوب و پاک کارگران
در زمین و زمان طنین انداخت
زندگی را دوباره، از نو ساخت
با طلوع درفش سرخ نئین
کارگر زنده شد به روی زمین

۳ ماه مه! آمدی؟ سلام سلام
گوش کن، گوش کن بدین پیغام
تا که سرمایه جسم و جان دارد
جنگ و فقرت بهارمغان آرد
زندگی خسته ماند و مبهوت
خشکسالی، گرسنگی، برهوت
باز هم دشمن شرافت و کار
جنب و جوشی گرفته پرادبار
لیک سرمایه هر چه پیش رود
گور خود را به دست خویش کند...

۱۳۴۸/۲/۱۱، تهران

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افراد وموسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدیدچاپ می‌کنند و به فروش می‌رسانند.

بدین وسیله به اطلاع همگان و به ویژه ناشران می‌رساند که تجدید چاپ، پخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است.

از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ کرده و به فروش رسانده‌اند، خواهشمند است که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آنها انتشار یافته، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یا تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه حزب به دفتر «مردم» مراجعه کنند. امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقه‌مندان به انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

چه کسانی امپریالیسم آمریکا را فراموش می‌کنند

نخستین اول ماه مه، در بهار آزادی، با شکوه فراوان برگزار شد و دیرباورترین محافل را نیز در برابر این واقعه قرار داد که این جشن بزرگ کارگری، به رغم سال‌های دراز فشار و اختناق بی‌پایان، در میان زحمتکشان ایران ریشه دوانیده و در قلب و روح آنها جا گرفته است. اگر این جشن جهانی، این روز هم‌بستگی بین‌المللی، ریشه نمی‌داشت و برای کارگران شناخته نمی‌بود، ممکن نبود این چنین وسعتی در سراسر کشور برگزار شود.

در شماره امروز «مردم» گزارش گویائی از مراسم دیروز تهران، که نمونه‌ای از وسعت و عظمت این جشن است، درج شده و خیرهایی نیز که از سایر شهرهای صنعتی کشور رسیده، از برگزاری باشکوه این روز بزرگ حکایت می‌کند. ولی ضمن بزرگداشت اول ماه مه، نمی‌توان تلاش برخی دستجات خرابکار را که می‌خواهند در این روز حادثه آفرینی کنند و جشن را به‌عزا میل سازند، ذکر و افشا نکرد. نخستین خیرهایی که تاکنون به دست ما رسیده حاکی است که در تبریز، اصفهان و برخی شهرهای مازندران، افراد معلوم‌الحالی کوشیده‌اند با شمارهای تند ضد کمونیستی و زیر لوای دروغین مذهب، صفوف کارگران را برهم زنند.

در تهران دستجات ۱۵-۲۰ نفری از عناصر مشکوک بارها کوشیدند که صف راهپیمایی سنجیک‌های کارگری را بشکنند و در آن اختلال کنند. وقتی صف مشکل کارگران به پشت مجلس شورای ملی رسید، تحریکات عوامل مشکوک شدیدتر شد و کسانی از جاهای دیگر به صف اختلال‌گران پیوستند و کوشیدند از حرکت تظاهر کنندگان جلوگیری کنند. کار به‌جائی رسید که اعضای کمیته امام برای متفرق کردن اختلال‌گران مجبور به تیراندازی هوایی شدند ولی اختلال‌گران که بدون تردید حضورشان در آنجا از قبل و از جانب محافل معین ضدانقلابی تدارک شده بود، آرام نمی‌شدند. تنها قدرت مشکوک

نامه حزب کمونیست عراق به حضرت آیت الله العظمی امام خمینی



ما با توجه و اعجاب بزرگ، مبارزه ملت دلاور ایران علیه امپریالیسم و علیه رژیم استبدادی نوکرماب شاه را دنبال کرده‌ایم و پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک شما را همراه با شما جشن گرفتیم.

اجازه بفرمائید تیریکات صمیمانه خود را به شما و عموم فرزندان عزیز کشور همسایه ایران، به مناسبت این پیروزی بزرگ تاریخی، انقلابی که باوج خود دست یافت، تقدیم نمائیم. موقفیت‌های آتی شما را در امر تحکیم انگیزه‌های این پیروزی و اصحای مواضع نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، جهت تحقق امیدها و اهدافی که فرزندان خلق خون خود را در راهش ایثار نمودند و برای ساختمان ایران نوین و آزاد و دموکرات و مرفه آرزو نمائیم.

انقلاب ایران بار دیگر ثابت کرد که اراده مردم، هنگامی که با صف‌های فترده برانگیخته می‌شود، نیرومندتر از دسائس امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم قوی‌تر از سازمان‌های خفقان‌آور ساواک و قوی‌تر از روش‌های ارعاب و کشتار است که رژیم‌های ارتجاعی حاکم به آن متوسل می‌شوند. دشمنان ملت ایران، چه امپریالیست‌ها و چه ارتجاع، از دسائس و توطئه برای بازگرداندن موقفیت‌های از دست رفته خود به هیچ وجه دست‌بر نمی‌دارند.

تاکنون امکانات خراب‌کارانه و ویران‌گرانه آنها کم نبوده است. ولی این تلاش خراب‌کارانه در صورتی با شکست مواجه خواهد شد که کلیه نیروهای میهن‌دوست و آزادی‌خواه با صف‌های متحد در جمهوری انقلابی، که به‌اراده مردم، به‌وجود آمده

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

تبریک کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه طی تلگرامی، فعالیت علنی و قانونی حزب توده ایران، انتشار «مردم»، ارگان مرکزی حزب و ورود رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی را به میهن، به کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه تبریک گفته و بار دیگر همبستگی خود را با حزب توده ایران و با مردم ایران، در مبارزه آنها به خاطر دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، ابراز داشته است. کمیته مرکزی حزب توده ایران در پاسخ خود، ضمن سپاسگزاری از کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، ابراز اطمینان کرده است که همبستگی برادرانه و سنتی بین حزب توده ایران و حزب کمونیست فرانسه تحکیم و گسترش خواهد یافت.

حقوق ملت ایران بازداشت. مبارزه شما راه را برای مبارزات سایر زحمتکشان و خلق‌های این منطقه، که برای استقلال، آزادی و دموکراسی مصمصانه مبارزه می‌کنند، گشود. کارگران فرانسه اطمینان دارند که شما با چنین روحیه‌ای پیروزی خود را به آنها خواهید رساند. کارگران و زحمتکشان فرانسه همبستگی کامل خود را با کارگران ایرانی ابراز می‌دارند و برایشان آرزوی موفقیت دارند. پس از قرائت این پیام توسط نماینده کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه، در پیام متقابل از جانب کارگران ایران گفته شد: «کمیته تدارک برگزاری مراسم اول ماه مه، سپس خود را از کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه ابراز می‌دارد. ما معتقدیم که کارگران ایران برای مبارزه علیه امپریالیسم و استثمار داخلی، رسالتی تاریخی دارند و ما جهت تحقق این هدف به حمایت کارگران جهان نیاز داریم. در این مراسم آنگاه قطعه‌نامه راهپیمایی به این شرح قرائت شد:

قطعه‌نامه جشن اول ماه مه
ما کارگران و زحمتکشان، که برای جشن اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان گرد آمده‌ایم، خواست‌های خود را به شرح زیرین به اطلاع هموطنان، همه مبارزان انقلابی، همه کارگران و زحمتکشان می‌رسانیم، و همان‌طور که در انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی دموکراتیک مردم ایران، با قدرت تشکل و اتحاد خود، با نثار جان خود، شرکت کردیم، پیمان می‌بندیم که برای تحقق این خواست‌های به حق و عادلانه، که هدفش دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان ایران، حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب، به پیش‌راندن انقلاب و نوسازی جامعه است، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نوزیم. ما به حضرت آیت‌الله العظمی خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران درود می‌فرستیم و پیمان می‌بندیم که زیر رهبری قاطعانه ضد امپریالیستی ایشان برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد بیکار کنیم. زنده‌باد جمهوری اسلامی ایران! زنده‌باد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران! درود به حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران درود به حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی مجاهد بزرگ انقلاب اسلامی ایران زنده‌باد همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!

روز کارگر، به جشن عمومی

شماره در فضا طنین انداز بود:
- تاخون در رنگ ماست، خمینی رهبر ماست.
- برابری، برادری، حکومت عدل علی.
- کارگر حق پرست، دشمن در کمین است.
- کارگر، برزگر، اسلام حامی توست.
کارگران می‌آمدند. خیابان‌ها طی می‌شد. این‌سوی و آن‌سوی، هزاران نفر در پیاده‌روها، بالکن‌ها و پنجره‌ها، بازیض گلاب و نقل، روز کارگر را به‌خواهران و برادران کارگر خود شادباش می‌گفتند.
وقتی این جمعیت کثیر به‌میدان امام‌حسین (فوزیه سابق) رسید، دو گروه عظیم دیگر، که از میدان رسالت (فرح سابق) در نارمک و میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) به حرکت درآمده بودند، در نزدیکی میدان بودند. میدان بزرگ و جمعیت موج می‌خورد و کارگران چهارگوشه متحد، که به‌میدان آمده بودند، شانه به‌شانه هم دادند. پیام‌ها خوانده شد. در یکی از این پیام‌ها زن کارگری گفت: «سرمایه‌داران پلید وابسته همیشه سعی می‌کردند به‌خاطر زن‌بودنمان، باوجود کارمندی، مزد کمتری به ما پرداخت کنند.» او در ادامه حرف‌هایش گفت: «این شاه و سرمایه‌داران وابسته به‌او بودند که من و تو را به‌عروسک‌هایی بدل نمودند. به‌جای عروسک شدن، فکر کنید. به انقلاب فکر کنید، تا کشوری آباد و آزاد بسازیم. فکر کنید که زنان کارگر در روستاها با حقوق بسیار ناچیز میوه‌چینی و ده‌ها کار دیگر می‌کنند.» او تاکید کرد: «ما زنان مسلمان، همان‌گونه که در کنار برادرانمان در مبارزه علیه سلطنت پهلوی شرکت کرده و تاسرحد جان ایستادیم، اکنون نیز در کنار سایر برادران خویش تاسرحد جان در راه انقلاب اسلامی، که باخون کارگران و با خون آزاد مردان آبیاری شده خواهیم کوشید.»
قطعه‌نامه زیرین در این گردهمایی عظیم خوانده شد:
- تشکیل شورای مدیریت در کارخانه‌ها با شرکت مؤثر نمایندگان به‌منظور برنامه ریزی صحیح تولید و توزیع و قیمت‌گذاری عادلانه کالا و جلوگیری از تضییع حقوق کارگران و جامعه.
- مبارزه با هرگونه توطئه علیه انقلاب پیروزمند اسلامی ملت ایران.
- جلوگیری از انهدام مؤسسات تولیدی مفید کنونی و تلاش برای بهره‌برداری از آنها با حداکثر ظرفیت تولید در حداقل زمان لازم
- تبدیل مؤسسات صنعتی و مونتاز به مؤسسات صنعتی مستقل با برنامه‌ریزی صحیح فنی و اقتصادی
- محو آثار هرگونه استثمار در جهت بهره‌مند کردن کامل کارگر از بازده کارش.
- برنامه‌ریزی جهت اشتغال کامل در سطح شهر و روستا و جلوگیری از بیکاری یا کم‌کاری آشکار و نهان
- دست‌زد یکسان در مقابل کار برابر برای خواهران کارگر
- برابری مرخصی سالیانه کارگران با کارمندان
- ایجاد رفاه کارگران و خانواده آنان از طریق تأمین مسکن و بهداشت و آموزش کافی.
- استفاده هرچه بیشتر از صدا و سیما و سایر وسایل آموزشی، برای بالا بردن سطح آگاهی کارگران در جهت فرهنگ اصیل انقلابی اسلام
- در پایان ما خواستار آنیم که روز کارگر در ایران روزی انتخاب شود که یادآور تلاش و مجاهدت خواهران و برادران کارگر ما در به‌ثمررساندن انقلاب عظیم اسلامی ملت ما باشد و نیز خاطره شهادت کارگران مارا در آن‌ها زنده نگه دارد، تعیین این روز با کمک و پیشنهاد خواهران و برادران کارگر ما خواهد بود.



چرا قرارداد دوه...

تعل عنوان «بررسی» دادن و گفتن این‌که برای لغو قراردادهای سری نظامی مشغول «مطالعه» هستیم، نه انتظار مردم را برآورده می‌سازد، نه از شکفتی و نگرانی آنها می‌کاهد. سند اسارت، سند اسارت است و پاره‌کردن آن نیاز به مطالعه و بررسی ندارد. اگر متن این قراردادها منتشر شود - و متن آنها باید منتشر شود تا مقیاس خیانت شاه مخلوع و رژیمش عیان‌تر در معرض دید همگان قرارگیرد - آنگاه برای قاطبه مردم آشکارتر خواهد شد که کم‌ترین درنگی برای الغای این قراردادها بهیچ عنوان توجیهی ندارد. این تعل با ماهیت انقلاب ایران سازگار نیست، زیرا ماهیت انقلاب ایران ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه است، و بر این مبنا حکم می‌کند، هر قراردادی که ایران را به‌کشور تابعی بدل ساخته، استقلال آنرا نقض نموده، بی‌درنگ ملغی اعلام گردد. این تعل با سیاست خارجی خود دولت نیز، که سیاست «عدم تعهد» اعلام شده و باید «عدم تعهد» باشد، وفق نمی‌دهد. اگر سیاست خارجی دولت «عدم تعهد» است پس حتی یک لحظه نیز نمیتواند بقای قراردادهایی را از قبیل قرارداد دوجانبه نظامی و یا قرارداد «احیاء کاپیتولاسیون» تحمل کند. دولت، که با خروج از سنتو گام‌درست نخستین راه‌سوی استقلال و عدم تعهد برداشت، چرا کام و گام‌های بسدی را به‌پیش بر نمی‌دارد؟ قرارداد دوجانبه نظامی ننگین و اسارت‌گر و همه قراردادهای سری نظامی یا امریکا باید منتشر و افشا گردند، همه آنها باید بی‌درنگ ملغی اعلام شوند، و همه مستشاران نظامی امریکائی - این ماموران پنتاگون در ارتش ایران - باید از کشور اخراج گردند و قانون کاپیتولاسیون ملغی شود. این اقدامات که ضرورت انجام فوری آنها از آفتاب روشن‌تر است، هنوز به‌عمل نیامده‌اند. مردم با شکفتی و نگرانی می‌خواهند بدانند چرا؟ ما موضوع را بی‌برده و به‌نحوی قاطع مطرح کردیم، هم بدلیل آن‌که وجود آن با استقلال ایران مایهت دارد و هم بدلیل این‌که تعل در لغو قراردادهای دوجانبه

زنده‌باد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با کارگران و زحمتکشان جهان! ما خواهان تعقیب، محاکمه و مجازات عوامل رژیم سرنگون شده و عمال ساواک هستیم. ما از تصمیمات دادگاه‌های انقلاب پشتیبانی می‌کنیم. ما خواهان تصفیه ارتش و پلیس و ژاندارمری و دستگاه دولتی از عوامل رژیم سرنگون شده هستیم. ما خواهان تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک برای همه خلق‌های ایران هستیم. ما خواهان لغو کلیه قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی هستیم. ما آماده‌ایم در نوسازی جامعه فعالانه شرکت کنیم. ما از همه جنبش‌های انقلابی و آزادی‌بخش ملی در سراسر جهان پشتیبانی می‌کنیم. ما از جنبش آزادی‌بخش خلق قهرمان فلسطین پشتیبانی می‌کنیم. ما خواهان شرکت مؤثر نمایندگان کارگران در تدوین قانون اساسی کشور و قانون کار هستیم. ما خواهان ملی شدن کارخانجات و مؤسسات تولیدی وابسته به سرمایه‌های خارجی و عمال داخلی آنها هستیم.



از میدان سپه جمع عظیم دیگری از کارگران به‌دعوت «کمیته برگزاری جشن اول ماه مه، سندیکال‌های مستقل و شوراهای کارگران کارخانجات تهران و حومه» از میدان سپه حرکت کردند. در پیشاپیش این جمع عظیم، که در صفوف منظم حرکت می‌کردند و صدای پلاکات همراه داشتند، که در آنها خواست‌های سیاسی و صنفی کارگران اعلام شده بود، پلاکات بسیار بزرگی حرکت داده می‌شد، که در آن همبستگی کارگران فرانسه با کارگران ایران اعلام شده بود. این جمع عظیم در خیابان فردوسی به حرکت درآمد.
در ابتدای صف، زنی که چادر سیاه بر سر داشت، روی سه‌چرخه دستی‌ای نشسته بود که بر پشت صندلیش، عکس کارگر شهید محمد جانجانیان، که در روزهای خونین انقلاب، جان خود را برای رهائی خلقش از دست داده، دیده می‌شد. این زن از یک‌پا فلج بود، ولی با تمام این‌ها برای بزرگداشت این روز بزرگ، به راه‌پیمائی آمده بود.
در پلاکات‌های متعددی، شماره‌های ضد امپریالیستی بچشم می‌خورد از جمله:
- ما خواهان لغو کلیه قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی هستیم
- ما خواهان شرکت مؤثر نمایندگان کارگران در تدوین قانون اساسی کشور و قانون کار هستیم.
- ما از استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنیم.
- دست امپریالیست‌های امریکائی از اقتصاد ایران کوتاه.
- زنجیرهای اسارت‌بار انحصارات را پاره کنیم.
- ما خواهان قطع نفوذ امپریالیسم امریکا در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور هستیم.
کارگران، که از ۴۳ سندیکا و واحد صنفی آمده بودند، عکس‌های امام‌خمینی را در دست داشتند. کارگران در پلاکات‌های دیگری، خواست‌های صنفی خود را اعلام کرده بودند:
- در مسیر، هزاران زن و مرد، در مقابل خانه‌ها، ادارات، بانک‌ها و بر بالکن‌ها برای راه‌پیمایان ابراز احساسات می‌کردند و دست می‌زدند.
- در تمام مسیر اسلامبول و شاه‌آباد، که کارگاه‌های متعدد در آنجا واقع شده است، بر سر راه‌پیمایان گل و گلاب و نقل ریختند و صدای نغمه فریاد زدند:
- نان، تحصیل - بهداشت
- بهره‌کشی از کار کودکان ممنوع باید گردد
- ما خواهان ۴۵ ساعت کار در هفته هستیم.
- ما خواهان تأمین کار برای کارگران بیکار هستیم.
- ما خواهان ایجاد صندوق بیکاری هستیم.
- ما خواهان مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان هستیم.
- کارگر قهرمان، جشنت مبارک!
گروه وسیع کارگران، در حالی که گروه‌هایی از روشنفکران و دیگر قشرها و گروه‌های اجتماعی آنها را همراهی می‌کردند، در حالی که سرود می‌خواندند، خیابان‌ها را پشت سر می‌گذاشتند و در صفوف طولانی آنها، نام ده‌ها سندیکای کارگری دیده می‌شد.
صف طولی کارگران، که می‌خواست به‌میدان امام حسین برود، از آنجا که ترافیک فشرده و راه‌ها بسته بود، در میدان ابن‌سینا (دروازه شمیران) تجمع کرد. در آنجا ابتدا پیام کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه خطاب به کارگران ایرانی خوانده شد.
در پیام کنفدراسیون سراسری زحمتکشان فرانسه، که توسط نماینده کنفدراسیون قرائت شد، گفته شده بود:
احساسات آمیخته به‌خوشحالی طبقه کارگر فرانسه را به‌شما ابراز می‌دارم. کارگران و ترقی‌خواهان فرانسه با شور فراوان به‌پیروزی شما درود می‌فرستند و پیروزی شما را، که موجب سقوط دیکتاتوری شده، ارج می‌نهند. ما به‌شما، به‌خاطر استقامت در برابر رژیم دیکتاتوری و مبارزه در شرایط خونین این رژیم، تعینت می‌گوییم. کارگران و دموکرات‌های ایران با مبارزه سرسختانه و قاطعانه خود استراتژی امپریالیسم را ناکام کردند و به‌آن شکست سختی وارد آوردند. آن‌هم در منطقه‌ای که شاه، دیکتاتور ایرانی موظف به تأمین منافع امپریالیست‌ها بود. مبارزه پیروزمندانه شما ضربه سنگینی بر نیروهای امپریالیستی، که گوش می‌کردند

از تاریخ پیام‌ورزی

آنچه غیر قانونی شدن حزب توده ایران نامیده اند یک توطئه جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است

توصیه امپریالیسم امریکا و انگلیس، وارد آذربایجان و کردستان شد و سرتاسر این دو ایالت را به خاک و خون کشید، که خود موضوع جداگانه‌ای است.

از این زمان، ارتجاع در همه کشور آشکارا مسلط شد، روح انتقام‌جویی طبقاتی اوج گرفت. فئودالها، سرمایه‌داران بزرگ، زدهان و مختلسین، وابستگان به سیاست‌های امپریالیستی، که در دوران اوج جنبش انقلابی در وضع دشواری قرار گرفته بودند، اینک زنجیر گسته به جان توده مردم افتادند. موجی از جنایت و غارت‌گری صحنه کشور را فرا گرفت. دهها هزار از فعالین و مسئولین حزب مورد شدیدترین آزارها قرار گرفتند. ژاندارمها و تفنگچیان فئودالها، دهقانان مبارزی را که گناهی جز مخالفت با غارت‌گری فئودالی نداشتند، دستگیر کردند و بدون محاکمه زند، کشتند، زندانی و تبعید کردند. خانه و خرمن‌ها سوخته شد، خانمان‌ها برباد رفت.

اینهمه جنایت، حتی موافق قوانین موجود هم، جرم و جنایت بود. اما آنجا که طبقات استثمارگر از منافع پلید طبقاتی خود دفاع می‌کنند، دیگر جایی برای قانون، و حتی قانونی که خود تصویب کرده‌اند، نمی‌ماند. استثمارگری که نفع طبقاتی خود را در خطر می‌بیند، صدبار بدتر و درنده‌تر از پلنگ تیرخورده است.

با یوزی از خوانندگان گرامی، در این شماره بحث جاری تاریخ را قطع می‌کنیم و به یک موضوع روز می‌پردازیم. امیدواریم خوانندگان گرامی ضرورت امر را درک کنند.

جا دارد که این افسانه را بشکافیم و به بنییم چرا و چگونه حزب توده ایران به اصطلاح منحل، «غیر قانونی» اعلام شد و در پشت سر آن چه توطئه ضد ملی و خائنه‌ای نهفته بود.

از رژیم ضد ملی و استبدادی پهلوی، مرده‌ریگ بسیار شومی باقی است. منظور، قتل اقتصاد ویران، اجتماع آشفته، بی‌سوادی، بیماری، بیکاری و هزار قرارداد اسارت‌بار با امریکا و چند صد شعبه از بانک‌ها و شرکت‌های چند ملیتی نیست. این‌ها را همه می‌بینند و همه می‌دانند (اگر چه آن‌هایی که باید تصمیمی در این باره بگیرند، دانسته خاموشند).

منظور، رسوبی است که از تبلیغات زبان‌بخش و ارتجاعی نیم قرن حکومت خائن پهلوی در اذهان عمومی مانده و برخی نظریات عمیقاً نادرست و خلاف مصالح ملی را، از روی عادت، در ردیف «بدیهیات» قرار داده است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها زهر تبلیغاتی ضد کمونیستی و از آن جمله، افسانه «غیر قانونی» بودن حزب توده ایران است، که از بی بلندگوان رژیم خائن پهلوی آنرا تکرار کرده‌اند، در بسیاری از اذهان ساده هم این تصور پدید آمده است که گویا حزب توده ایران، حداقل بنا به قوانین آن رژیم، «غیر قانونی» است. این تصور نادرست آنقدر وسعت و قدرت گرفته، که حتی نخست‌وزیر دولت موقت و سخنگوی دولت هم آن را سکه نقد گرفته و گفته‌اند: «تا وقتی قوانین سابق درباره غیر قانونی شدن حزب توده ایران لغو نشده، به قوت خود باقی است».

آغاز توطئه امپریالیستی و ارتجاعی برای «غیر قانونی» کردن حزب توده ایران

به این ترتیب، پس از آذر ۱۳۲۵، حزب توده ایران فقط در تهران و یکی دو شهر دیگر فعالیت علنی و آزادی نسبی داشت و در سایر شهرستانها مقامات دولتی، به‌رغم قوانین موجود، از فعالیت علنی حزب جلوگیری می‌کردند و امیدوار بودند که حزب توده ایران زیر بار همین فشارها خفه شود.

در مرکز حزب، که هنوز فعالیت آزاد داشت، توطئه ارتجاع و امپریالیسم از درون حزب تدارک می‌شد، تا شاید بدون این که اقدامی رسمی علیه حزب به عمل آید، خود حزب از درون منفجر و منحل شود. شکست آذربایجان و کردستان و سرکوب سازمان‌های حزب در سرتاسر کشور، زمینه مساعدی برای تدارک توطئه‌ای از درون حزب فراهم می‌کرد. برپایه روحیه شکست و یأس، زمانی که دوستان نیمه‌راه جنبش دورنمای پیروزی را از دست داده راهی برای بازگشت و عقب‌گرد می‌جستند، موج ضد حزبی بزرگی در درون حزب پدید آمد و گردانندگان آن کوشیدند روحیه ارتداد و انحلال‌طلبی و فرار از جبهه را، به‌صورت یک جریان سیاسی سازشکارانه، سازمان دهند. همین جریان بود که پس از یک سال نبرد با شکست مواجه شد و چرک و خون و عفونت آن، به نام «انحساب» خلیل ملکی و یارانش، از حزب طرد گردید.

قبل از «غیر قانونی شدن»

طبق عادت و از روی تبلیغات رژیم سابق، تاریخ «غیر قانونی» شدن حزب توده ایران را از پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ به حساب می‌آورند. افسانه پردازان دربار پهلوی و سفارت امریکا و سفارت انگلیس، این‌طور گفته‌اند که حزب توده ایران امکان یافته بود. که به‌طور عادی و قانونی در ایران فعالیت کند و فعالیت می‌کرد، اما به سرش زد که علیه جان «اعلیحضرت همایون» سوء قصد کند و از آن روز «غیر قانونی» شد. در حالی که در پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ در سرتاسر کشور - به‌جز تهران - حزب توده ایران عملاً «غیر قانونی» بود. کلوبهای حزب در همه شهرها سوخته، مسئولین حزبی دستگیر و یا تبعید شده بودند. روزنامه‌های حزبی تقریباً در همه شهرستانها منصفانه فروخته و توزیع می‌شد.

هجوم اوباش، عشایر ارتجاعی مسلح، پلیس و ژاندارمری به سازمانهای حزب توده ایران، از تابستان ۱۳۲۵ آغاز شد. رهبری سیاسی و فرماندهی نظامی این‌هجوم وحشیانه را مستشاران آمریکائی ژاندارمری، در رأس آنها، ژنرال شوارتسکف معروف به دست داشتند. (ژنرال شوارتسکف که در کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز نقش بسیار فحالی ایفا کرد).

پس از شکست توطئه در درون حزب، مصافح امپریالیستی و ارتجاعی مجبور شدند نقشه‌های خود را روکنند. زمره «غیر قانونی» اعلام کردن حزب توده ایران آغاز شد و رفته رفته قوت گرفت و در تابستان ۱۳۲۷ به مطبوعات راه یافت.

ابتدا سازمان‌های حزب توده ایران در جنوب کشور مورد هجوم فرار گرفت. عشایر مسلح، ایالت فارس را اشغال کردند. کلوب‌های حزب را در شیراز و سایر شهرهای فارس به آتش کشیدند. با نظر دربار پهلوی و کابینه قوام، در شیراز حکومت محلی خوانین و فئودال‌های مرتجع تشکیل شد که پارسک حکومت ملی آذربایجان و کردستان باشد. از این زمان سازمان‌های حزب توده ایران در مناطق جنوب غارت شد و فعالین حزب مورد شدیدترین فشارهای غیر قانونی قرار گرفت و دیگر هرگز اوضاع به حال عادی برنگشت.

موقت انقلابی، چگونه ممکن است قوانین رژیم سابق را محترم بشمارد؟ چگونه ممکن است کسانی که زمام حکومت را از رژیم سابق گرفته‌اند و در مقام قدرت حاکمه درباره اساسی‌ترین مسائل کشور، از دخل و تصرف در اموال دولتی گرفته تا فرماندهی نیروهای مسلح و مناسبات با کشورهای خارج و عزل و نصب وزیران و غیره تصمیم می‌گیرند و همه این‌ها را، که موافق قوانین رژیم سابق هرگز حکم هزار حکم اعدام دارد، برای خودشان قانونی می‌شناسند، اما فعالیت عادی یک حزب مبارز ضد رژیم سابق، یک حزب ریشه‌دار پرباقیه را، موافق قوانین رژیم سابق، هنوز «غیر قانونی» می‌دانند؟

این در دورانی بود که حزب توده ایران از آزمایش تاریخ سربلند بیرون آمد، در برابر تمام فشارهای داخلی و خارجی مقاومت کرد، دوباره جان گرفت و موفق شد که در آغاز سال ۱۳۲۷، دومین کنفره خود را تشکیل دهد و وارد مرحله جدید و عالی‌تری از زندگی و رزم انقلابی شود.

در خوزستان، دستاویز هجوم وحشیانه به حزب توده ایران، اعتصاب پرشکوه کارگران نفت در تابستان ۱۳۲۵ بود. این اعتصاب عظیم را شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران سازمان داد و حزب توده ایران آن را رهبری کرد. اعتصاب کارگران نفت بزرگترین برآمد ملی علیه شرکت انگلیسی نفت بود. برای سرکوب این اعتصاب، عشایر ارتجاعی خوزستان، ژاندارمری و پلیس و اوباش محلی تجهیز و مسلح شدند، قوای نظامی انگلیس نیز دخالت کرد. در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ اعتصاب کارگران به خون کشیده شد و به همراه آن همه کلوبها و سازمانهای شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران تارومار و اعضاء و فعالین آن کشته، زخمی، یا تبعید شدند.

این برآشتگی حق است. حتی از نظر اخلاقی هم جا نداشت که مقامات دولت موقت از این در وارد شوند و رطب‌خورده منع رطب‌کنند. اما اصل مسئله این نیست. اصل مسئله این است که حزب توده ایران، حتی موافق قوانین رژیم سابق، هرگز «غیر قانونی» نبوده و آن رژیم خائن، سی سال تمام، به‌رغم قوانین موجود، حزب توده ایران را «غیر قانونی» تلقی کرده و تنها به اتکالی زور و قلدری با این حزب قانونی رفتار غیر قانونی کرده است. هرگز، در هیچ مرجع قانونی (و یا غیر قانونی)، قانونی علیه حزب توده ایران تصویب نشده و لذا این گفته که «تا وقتی قوانین سابق لغو نشده، به جای خود باقی است» و غیره، علاوه بر هزار و یک عیب اخلاقی و سیاسی و قانونی و غیره، این عیب بزرگ را هم دارد که توخالی و مبتنی بر عدم اطلاع است. مقامات مسئول (که متأسفانه گاهی به حد کافی احساس مسئولیت نمی‌کنند) اسیر توهمات هستند که رژیم سابق ایجاد کرده است. آن‌ها در طول زمان تحت تأثیر تبلیغات شوم رژیم قرار گرفته و عادت کرده‌اند که آنچه را که گردانندگان رژیم می‌گفتند، بپذیرند و طبیعی تلقی کنند، در حالی که در کشور ما انقلاب شده، رژیم سابق برافزاده و وقت آن است که مرده‌ریگ این رژیم را دور بریزیم، خود را از زیر بار تبلیغات زهر آگین آن‌ها سازیم و تفکری مستقل از خواست رژیم سابق پیدا کنیم.

پس از شکست توطئه در درون حزب، مصافح امپریالیستی و ارتجاعی مجبور شدند نقشه‌های خود را روکنند. زمره «غیر قانونی» اعلام کردن حزب توده ایران آغاز شد و رفته رفته قوت گرفت و در تابستان ۱۳۲۷ به مطبوعات راه یافت.

از آن تاریخ، حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی در سرتاسر خوزستان، که ملک‌تعلق شرکت نفت انگلیس بود، عملاً «غیر قانونی» شد و امکان برای فعالیت علنی حزب نماند.

در مازندران نیز هجوم به سازمان‌های حزب از تابستان ۱۳۲۵ شروع شد. دربار و معلمین آنکو امریکائی‌اش، دست به انواع حادثه‌سازیها زدند، اوباش و سران مرتجع عشایر را مسلح و پلیس و ژاندارمری امریکائی را تجهیز کردند و سازمانهای حزب را در شمال کشور، به ویژه در مناطق کارگری شاهی، بهشهر، جالوس و غیره، درهم کوبیدند.

توطئه سرکوب جنبش انقلابی ایران و جلوگیری از فعالیت علنی حزب توده ایران، با سرکوبی نخست‌های ملی در آذربایجان و کردستان وارد مرحله ثبونی شد. در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ ارتش شاه، طبق نقشه و موافق

این در دورانی بود که حزب توده ایران از آزمایش تاریخ سربلند بیرون آمد، در برابر تمام فشارهای داخلی و خارجی مقاومت کرد، دوباره جان گرفت و موفق شد که در آغاز سال ۱۳۲۷، دومین کنفره خود را تشکیل دهد و وارد مرحله جدید و عالی‌تری از زندگی و رزم انقلابی شود.

در این زمان، یعنی تابستان ۱۳۲۷، اوضاع سیاسی کشور بسیار بغرنج بود. امپریالیست‌های امریکائی و انگلیسی برس خساورمیان و بخصوص ایران در نبرد شدیدی درگیر بودند. امپریالیسم انگلیسی می - کوشید مواضع قبل از جنگ خود را حفظ و تحکیم کند، ولی امپریالیسم تازه‌نفس امریکا قصد آن داشت که انگلستان را عقب براند و جای اصلی را اشغال کند. تسلط بر منابع نفتی ایران در مرکز این رقابت قرار داشت.

دو نیروی امپریالیستی آنکو امریکائی، با وجود رقابت و خصومت متقابل، در یک نکته توافق داشتند: آن این که: باید مردم ایران را سرکوب کنند و آزادی را از آن‌ها سلب‌نمایند تا بتوانند کشور ما را میان خود تقسیم کنند. دخالت مردم ایران می‌توانست حساب‌های آنان را برهم زند. از اینجا بود که به تناسب تشدید رقابت میان امپریالیستها، علاقه هر دو طرف به ایجاد محیط اختناق و برقراری دیکتاتوری نیز تشدید می‌شد. آن‌ها در این باره که دیکتاتوری حاکم چگونه برقرار شود و زمام اختیار آن در دست کدامیک از دو نیروی امپریالیستی باشد، اختلاف داشتند، اما در اصل برقراری دیکتاتوری اختلاقی میانشان وجود نداشت و هر دو احساس می‌کردند که استقرار دیکتاتوری باید از هجوم به حزب توده ایران آغاز شود.

قانون اساسی سابق، نتیجه سازی بی - انتقاد بورژوازی لیبرال ضعیف آرزوی و اثرات فواید بود. بعدها خانواده پهلوی به این سند قاصی چند دست زد و آنرا به پایه توجیه قانونی رژیم استبدادی مبدل ساخت و برخی عبارات مبهم و چند پایه آن را هم که به‌سود دیکتاتوری بود، به‌کف قوانین ضد دیکتاتیک به‌بیخ‌بیل ساخت.

از جهت طرز افکاره سالها، قانون اساسی باید از عبارات قابل تعبیر بیهیزد و چنان‌که در طرح تکلیف شده دیده شده، عبارات چندپهلوی را نتواند که از آن هم‌چیز، حتی توجیه خودسری و بی - قانونی نیز درمی‌آید.

بنظر ما قانون اساسی جدید باید برای ایجاد یک نظام ملی و دیکتاتیک و خلتی در کشور پایه قانونی لازم را بپوشد. آورد، ما که به‌جمهوری اسلامی رای مثبت داده‌ایم، مخالفتی هم نداریم که این قانون برپایه یک تغییر مثبت، انقلابی، انسانی از پیش توجیهی نوشته شود. بحث بر سر کلمات نیست، بحث بر سر محتوی است. اگر این محتوی در واقع به‌سود تسکین خلق جامعه باشد و آنرا در قید انحصار های فکر و قدرت نکند، با توسل به هر عباراتی که باشد مقبول است. به‌گفته مولوی:

ما درون را بنگریم و حال را مابرون را ننگیم و قال را

بنظر ما، برای اینکه قانون اساسی جدید پایه‌گذار قانونی که نظام ملی و دیکتاتیک و خلتی باشد، باید نکات زیرین را در نظر گیرد:

۱. تأمین استقلال و حاکمیت کشور در زمینه سیاسی و اقتصادی.
۲. تأمین حقوق و آزادی‌های دیکتاتیک به معنای وسیع امروزی کلمه.
۳. سالمسازی اقتصاد کشور در جهت منافع اکثریت خلق.
۴. تأمین یونانی جامعه در جهت ترقی صنعتی، کشاورزی و فرهنگی.
۵. تأمین رفاه عمومی زحمتکشان بی‌ی و فکری در زمینه کار و تحصیل و درمان و استراحت و مسکن و غیره.
۶. دفاع از سیاست مسلح، علم‌تپهد و جماعت از جنبش‌های مترقی و رهائی بخش.

پس از این تذکرات عمومی، ما با بی‌سری چشم‌پراه انتشار سندی هستیم که هرچه زودتر به جامعه ما دورنمایی اطمینان بخش عطا کند.

سال قمری برای مسلمانان منتشر می‌شود.

در سال ۱۳۵۶، به‌ابتکار اداره روحانی مسلمانان اتحاد شوروی، چاپ جدید کلام‌الله مجید با تیراژ زیاد در مسکو طبع و نشر گردید. از جانب مراکز روحانی اسلامی، مساجد و اماکن مذهبی اداره و مرمت می‌شوند و یا مساجد و اماکن‌نوسازی احداث می‌گردند، طی سالهای اخیر در شهرهای روستوف، گورکی، و ماگنیتسکوگورسک مساجد نوسازی ساخته شده و مورد استفاده مسلمانان قرار گرفته است.

بدین ترتیب آزادی مذهب در اتحاد شوروی، که در قانون اساسی آن کشور تصریح گردید - منظور که از جانب محافل گوناگون وانمود می‌شود - به‌هیچ‌وجه جنبه صوری ندارد، بلکه مانند سایر حقوق و آزادی‌های جامعه، در زندگی روزمره مسلمانان این کشور عملی می‌شود و همه‌گونه امکان برای تحقق آن فراهم می‌گردد.

مردم ایران چشم‌پراه آنچنان...

مثبت بیشتر، بارفغ نقاص و تناقضات، نشر یابند در آن هنگام ما فرصت خواهیم داشت به‌شکل مشخص درباره آن نظر بدهیم، ولی اکنون می‌خواهیم بررسی نکات اصولی را متذکر شویم.

قانون اساسی ردآورد انقلاب است و باید بتواند بازتاب آن آرزوها و آرمان‌ها را باشد که انقلاب را برانگیخته، اگر چنین نباشد سرخوردگی و ختم وواکنش منفی شدید ایجاد می‌کند.

های اسلامی از مراکز و ادارات و مدارس اسلامی در اتحاد شوروی دیدن کرده و با فعالیت آن‌ها آشنا شده‌اند. هیئت‌های نمایندگی محافل روحانی اسلامی اتحاد شوروی نیز برای آشنائی با محافل و مراکز روحانی به‌بسیاری از کشورهای خارجه مسافرت می‌کنند.

در اتحاد شوروی، علاوه بر جمهوری‌های آسیای میانه و کازاخستان و آذربایجان، در بسیاری دیگر از استانها و شهرستانهای جمهوری فدراتیو روسیه مراکز روحانی اسلامی دایر است که به فعالیت‌های مذهبی اشتغال دارند. مثلاً اداره روحانی اسلامی اوفای یکی از قدیمی‌ترین مراکز اسلامی کشور است. در شهرهای لنینگراد، کوی بیشف، امسک، آستراخان، پرم محافل اسلامی وجود دارد. در این شهرها همچنین مساجد و اماکن مذهبی، که مسلمانان مراسم و فرائض دینی خود را در آن‌ها به‌جا می‌آورند، دایرند. بسیاری از رجال روحانی اتحاد شوروی برای کسب و یا تکمیل معلومات مذهبی به‌دانشکده‌های علوم الهی در کشور های اسلامی اعزام می‌شوند.

مراکز روحانی اسلامی اتحاد شوروی، علاوه بر فعالیت های آموزشی و اداره امور روحانی، دارای فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی هستند. هر ساله از طرف اداره نشریات، کتب مذهبی و تقویم

اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی

نیز چنین انجمن‌هایی دائرند، که به‌وسیله محافل روحانی اسلامی اداره می‌شوند. بسیاری از رجال روحانی اسلامی اتحاد شوروی در مراکز آموزشی علوم اسلامی معلومات مذهبی کسب می‌کنند و در محافل اسلامی کشور، مساجد و سایر اماکن دینی مشغول فعالیت‌های مذهبی می‌شوند. مهم‌ترین مراکز آموزشی اسلامی مدرسه میر عرب در بخارا و مدرسه عالی روحانی تاشکند به‌نام امام - البخارا هستند، که هر ساله عده‌ای فارغ‌التحصیل دارند.

برنامه‌های آموزشی این مدارس با برنامه‌های دانشگاه‌های مشهور علوم الهی مانند الازهر در مصر تطبیق می‌کند. در این مدارس اسلامی تلاوت و تفسیر قرآن مجید، اصول دین، فقه، صرف و نحو زبان عربی، تاریخ اسلام و دیگر مواد علوم الهی تدریس می‌شود. مدرسین این مراکز آموزشی از شخصیت‌های روحانی برجسته‌ای هستند، که در رشته‌های مختلف علوم الهی تخصص دارند.

مراکز آموزشی علوم الهی اتحاد شوروی و همچنین محافل روحانی این کشور، با مجامع روحانی کشور های اسلامی جهان ارتباط نزدیک دارند. طی سال‌های اخیر نمایندگان مجامع روحانی بسیاری از کشور

درآمده ۲۵ از فصل هفتم قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مربوط به حقوق و آزادی‌های شهر - وندان اتحاد شوروی چنین آمده است: «شهروندان اتحاد شوروی حق پیروی از هر مذهبی را دارند و این حق به‌موجب قانون تضمین می‌شود. برانگیختن خصومت و نفرت در میان افراد جامعه به‌سبب معتقدات مذهبی ممنوع است.»

همه حقوق و آزادی‌هایی که در قانون اساسی برای شهروندان اتحاد شوروی تصریح گردیده، به‌وسیله ارگان‌های دولتی و اجتماعی تضمین شده و برای تحقق این حقوق و آزادی‌ها و برخورداری عملی شهر - وندان از آن‌ها همه‌گونه امکان فراهم می‌شود. آزادی مذهب و از آنجمله مذهب اسلام نیز به‌همین طریق برای همه مسلمانان اتحاد شوروی تأمین می‌گردد.

در اتحاد شوروی مراکز و انجمن های اسلامی دائرند که امور مساجد و اماکن دینی، و امور آموزش علوم دینی و سایر مسائل مربوط به‌امور مذهب اسلام به‌وسیله آسان اداره می‌شود. علاوه بر جمهوری‌های آسیای میانه و کازاخستان و آذربایجان، که سکنه آن‌ها مسلمانند، در استانها و شهرستان‌های جمهوری فدراتیو روسیه

اخبار کارگری



شرکت سرب سولیدی سن و ماسه «متوساک» (در نزدیکی شهریار) پس از ۲۵ روز تحصن و ۵ روز اعتصاب غذا، در محل شرکت، کار خود را از سر گرفتند. تحصن و اعتصاب غذای ۱۵ نفر از کارگران به خاطر اعتراض به اخراج دسته جمعی آن‌ها بود. مسئولان شرکت متوساک با این ادعا که وضع مالی شرکت مساعد نیست، کارگران را از کار منع کرده بودند، اما کارگران این ادعا را رد می‌کردند. آن‌ها دلیل می‌آوردند که حتی در ایام اعتصاب همگانی شرکت بیش از یک میلیون تومان فروش داشته است، در حالی که تنها ۲۵ کارگر چرخ‌های آن را به گردش درمی‌آوردند. در ایام تحصن تلاش مکرر کارگران برای بازگشت بر سرکار و استفاده از طبیعی‌ترین حق خود، یعنی شاغل بودن بجای نرسید. آن‌ها از ۵ اردیبهشت ماه مبارزه خود را با اعتصاب غذا ادامه دادند و سرانجام تصمیم گرفتند آنچه را که کارفرما از انجام آن سر باز می‌زند، به دست خود انجام دهند و با به حرکت درآوردن چرخ‌های تولید در کارخانه، مشکل خود را حل کنند. در روزهای اعتصاب غذا دو تن از کارگران بر اثر تحلیل قوایشان در بیمارستان بستری شده بودند. کارگران پس از بازگشت به کار، به ابتکار خود و به سرعت ماشین‌های خراب شده را تعمیر کردند و در میان شور و ولوله دیگر همکارانشان، حرارت کار و حرکت را به کارخانه خاموش و پژمرده بازگرداندند.

یکی از کارگران می‌گفت: «اگر منتظر می‌ماندیم (رئیس شرکت و سهامدار عمده) بار دیگر از کار زحمتکش «متوساک» جلوگیری کند، این بار حتی یک کارگر در کار شرکت باقی نمی‌ماند.»

کارگران داخل کارگاه دوماه است حقوق دریافت نداشته‌اند. آن‌ها اتمام حجت کرده‌اند که اگر دستمزد عقب افتاده آن‌ها پرداخت نشود و اشکال تراشی‌ها ادامه یابد، این بار کارفرما با اعتصاب یکپارچه تری روبرو خواهد بود.

خواست‌های کارگران پارک پرنس

کارگران متحصن پارک پرنس، بیستین روز تحصن خود را پشت سر گذاشتند. این کارگران از تمام گروه‌ها و سازمان‌های مترقی خواستند تا پشتیبانی خود را از خواست‌های بر حق کارگران اعلام کنند؛ بعضی از خواست‌های ۷ گانه کارگران متحصن به شرح زیر است:

- کلیه کارگرانی که از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۷ از شرکت اخراج شده‌اند تا پایان فروردین ماه ۵۸ باید از کلیه حقوق و مزایای که شامل کارگران شاغل شده است، برخوردار شوند.
- پرداخت تمامی حقوق یک ساعت کار اضافی کارگران، که از شروع کار تا زمان اخراج به جای ۸ ساعت، ۹ ساعت کار می‌کردند.
- کارگرانی که در ماه دو جمعه اضافه کاری می‌کردند، با توجه به این که روزهای تعطیل مزد کار دوبرابر است، باید ماهیانه ۴ روز کار با حقوق و مزایا به این کارگران پرداخت گردد.

تشکیل اتحادیه کارگران چاپخانه

نخستین جلسه کارگران چاپخانه‌های تهران، روز پنجشنبه اول اردیبهشت تشکیل شد. این جلسه، که بیش از صد نفر از کارگران چاپخانه در آن حضور داشتند، در خانه کارگر برپا شد. ابتدا چندتن از کارگران با سابقه اتحادیه کارگران چاپخانه در باره شرایط سخت سال‌های گذشته صحبت کردند و ضرورت تجدید انتخاب هیئت مدیره اتحادیه و تهیه اساسنامه نوین را گوشزد کردند. در این جلسه هم چنین اعلام شد، «با این که کارهای چاپی این روزها بازار گرمی دارد، اخراج کارگران چاپخانه‌ها هر روز تکرار می‌شود. با ایجاد اتحادیه می‌توان جلوی این اخراج‌ها را گرفت.»

جلسه با معرفی نمایندگان منتخب هر چاپخانه، به هیئت موسس ۱۵ نفره اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها خاتمه یافت.

انتخابات سندیکای آزاد

کارگران شرکت نفت قائمشهر «شاهی سابق» و ساری، طی بیانیه‌ای کارشنکی‌ها و توطئه‌چینی‌های کارفرما و نمایندگان سندیکای فرمایشی سابق را به شدت محکوم کردند. این کارگران اضافه می‌کنند: دولت با وجود این که رسماً انحلال این گونه سندیکاها را اعلام نموده، حسابداری شرکت نفت، ماهها است که حق عضویت از حقوق کارگران کسر می‌کند. این کارگران سپس به اعمال نظر کارفرما و عمالش اشاره می‌کنند و از امام خمینی و آیت‌الله طالقانی می‌خواهند، دستور عزل کامل نمایندگان سابق را برای همیشه صادر کنند.

این کارگران از دولت و کمیته‌ها خواسته‌اند، برای نظارت بر انتخابات آزاد سندیکا نمایندگان خود را به قائمشهر بفرستند. در پایان بیانیه آمده است: ما کارگران از اداره کار قائمشهر می‌خواهیم که مهلت انتخابات جدید را یک ماه، پس از اعلان‌های رسمی و غیر انحصاری، تعیین کند.

اعتراض کارگران کارخانه جنرال موتورز ایران

از کارخانه جنرال موتورز ایران خبر می‌رسد که چند روز پیش کارفرما تصمیم می‌گیرد که شیفت دوم (شیانه) را تعطیل کند و همه کارگران در شیفت اول (روزانه) کار کنند. این تصمیم با اعتراض و مخالفت شدید کارگران مواجه می‌شود. کارگران شکار اظهار می‌دارند که ما به علت کمی دستمزد، که به هیچ وجه کفاف مخارج زندگی محقر خود و خانواده‌مان را نمی‌دهد، مجبوریم روزها در محل دیگری کار کنیم و با این تصمیم در واقع یکی از دو محل کار را از دست خواهیم داد. کارگران درخواست می‌کنند که یا این تصمیم (لغو شیفت

شیانه) لغو شود و یا به دستمزد کارگران افزوده گردد. به طوری که دیگر نیازی به کار در دو محل نداشته باشند. سرانجام در نتیجه اعتراض و فشار کارگران، کارفرما مجبور می‌شود از تصمیم خود مبنی بر لغو شیفت شبانه دست بردارد. اما این پرسش همچنان برای کارگران باقی می‌ماند که چرا حد اقل زندگی آن‌ها را در ازای هشت ساعت کار تا این نمی‌کنند تا مجبور نباشند با دوبار کار در شبانه روز، جان خود را در ازای نان بخور و نمیری بفروشند و در سنین جوانی به پیری زودرس دچار شوند.

در ضمن کارگران از این که شورای موقت کارخانه در جریان اعتراض آن‌ها هیچ اقدامی به نفع کارگران انجام نداده است، گلدارند و می‌پرسند که پس نقش این شورا چیست؟

گزارشی از تحصن در کانون کارآموزی خراسان

کانون کارآموزی استان خراسان در فلکه فردوسی منهد واقع است. در این کانون حدود ۴۰۰ کارگر، کارآموز و دانش آموز به طرز شیانه روزی زندگی می‌کنند. کانون دراصل به منظور سرپرستی از افراد بی سرپرست به وجود آمده و قرار بر این است که این افراد پس از طی یک دوره کارآموزی یک ساله و دریافت گواهینامه، وارد اجتماع شوند. اما به علت کمبود وسایل آموزشی کارگاهی و مددکار و غیره، عملاً آموزش جدی وجود ندارد. به هر کارآموز ماهانه صد تومان پرداخت می‌شود. کیفیت غذا بسیار بد است. از آنجا که وسایل ورزشی و تفریحی در اختیار کارآموزان قرار ندارد مهم‌ترین سرگرمی آن‌ها «تیله بازی» است. تا این اواخر یک کتابخانه کوچک و فقیر در کانون وجود داشت، که به تازگی آن راهم تعطیل کرده‌اند و بر ناراضی کارآموزان افزوده‌اند. در کانون عملاً کاری به کارآموزان یاد نمی‌دهند و در نتیجه کارآموزان از این که وارد اجتماع شوند، بیم دارند و ترجیح می‌دهند شرایط شوار کانون را تحمل کرده، بمانند. اما مانند در کانون نیز با آن شرایط سخت و نبودن وسایل و امکانات زیست، خالی از خطر نیست. همین جندی پیش بود که زنی در کانون کارآموزی شماره ۴ از سرما خشک شد و مرد و یا یکی از بچه‌ها، که غش کرده بود، آنقدر بحال خود واگذاشته شده بود، که موقمی که رفقایش متوجه او شدند، مرده بود. در گذشته، در زمان رژیم سابق، کارآموزان دو بار اعتصاب کرده بودند، که نتیجه‌ای نداشت. این بار به عنوان اعتراض به ادامه همان شرایط غیر انسانی و سخت در شرایط پس از انقلاب، ناگه در روز ۱۸ فروردین دست به اعتصاب و تحصن زدند. متأسفانه مقامات مسئول دولتی و حتی استاندار خراسان به خواست‌های کارآموزان توجهی نکردند و حتی آنها را «ضد انقلابی» نامیدند. تحصن و اعتصاب نتیجه نداد، اما شورای ۱۵ نفری کانون در پی آن است که به طرق دیگر برای برآوردن شدن خواست‌های چهارماده‌ای کارآموزان باز هم تلاش کند.

خواست‌های کارآموزان به قرار زیرین است:

۱. رسمی نمودن کارگران پیمانی.
۲. افزایش پول توجیبی کارگران و کارآموزان و محصلین.
۳. تصفیه کامل کارمندان و دفتریها زیر نظر شورای کانون.
۴. بازگشت سریع مسئول سابق کتابخانه کانون و بازگشائی مجدد کتابخانه.
۵. مجهز نمودن کارگاه‌ها به وسایل آموزشی و ایمنی کارآموزان.
۶. رسیدگی بوضع کودکان (آوردن مربی، مددکار و پرستار) برای آنها.
۷. اختصاص دادن سود کارگاهها به کارآموزان.
۸. پرداخت عیدی به کلیه کارگران و کارآموزان و محصلین همانطوریکه به کارمندان کانون حقوق و مزایا و عیدی پرداخت گردید.
۹. رسیدگی بوضع بزرگسالان و جوانان از لحاظ شغل - مسکن - سرمایه جهت ورود به زندگی در جامعه.
۱۰. رسیدگی بوضع کلیه آسایشگاه‌های کانون.
۱۱. رسیدگی کامل بوضع پوشاک - تغذیه و بهداشت کانون.
۱۲. در اختیار گذاشتن کلیه امکانات ورزشی و ترتیب دادن برنامه‌های تفریحی برای کارگران - کارآموزان و محصلین.
۱۳. آوردن شناور و مددکار و مدیر داخلی برای کانون (برکناری مدیر داخلی کنونی کانون).
۱۴. انحلال برخی از کارگاهها که مفید تشخیص داده نمی‌شوند زیر نظر شورای کانون.

گزارشی از کشت و صنعت کارون

جمع کارکنان ۲۰۱۶ نفر: کارمندان ۸۶۷ کارگران دائم ۴۵۳۷ کارگر موقت ۱۶۱۲

کارگران این کارخانه در دویوش صنعتی و کشاورزی مشغول کارند، که تعداد کارگران کشاورزی بیشتر و وضع آن‌ها بدتر است. این کارخانه بین دو شهر دزفول و شوشتر قرار دارد، که کارکنان آن اکثرآ از این دو شهر و روستاهای بین این دو شهر هستند. البته درصد بالایی از کارگران را روستائیان تشکیل می‌دهند.

رفت و آمد کارگران به وسیله تریلرهای سروپوشیده انجام می‌گیرد، که در تابستان‌های سوزان خوزستان مشکلات فوق العاده زیادی در بردارد. از وسایل رفاهی و ایمنی اصلاً حرفی در میان نیست. محیط کارخانه کاملاً غیر بهداشتی است و در کارخانه‌ای به این بزرگی از درمانگاه راستین خبری نیست، بلکه فقط اتاقی با مقداری دارو بدون پزشک واقعی وجود دارد.

وضع کارگران: همانطور که در بالا آمد، کارگران این کارخانه بیشتر از روستاها بوده و از لحاظ آگاهی فوق العاده در سطح پایینی بسر می‌برند و حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند. به همین علت در استمار شدید کارفرمایان قرار دارند.

کارگران این کارخانه گویا ۸ ساعت کار قانونی می‌کنند، که مدت رفت و برگشت و ساعت غذا خوردن آن‌ها خارج از این ۸ ساعت است، ما اضافه کاری در این کارخانه اجباری است. (حتی برای کارمندان) و روزهای جمعه هم باید اجباراً کار کنند.

حقوق کارگران ساده روزی ۳۵ تا ۴۵ تومان است، که با کسر مالیات و بیمه، بازم کم‌تر می‌شود و یا توجه به زیاد بودن فرزندان این کارگران، این حقوق به هیچ جای آن‌ها نمی‌رسد.

کارگران از وسایل ایمنی کار از جمله کفش، کلاه، کمربند و لباس محرومند.

کارگران در تابستان‌ها، که حرارت ۵۰ درجه خوزستان طاقت فرسا است، در زیر آفتاب سوزان باید کار کنند. باز بودن فضای کارخانه و کارکردن زیر آفتاب مشکلات جسمانی زیادی برای کارگران به وجود می‌آورد.

از لحاظ بیمه، کارگران بیمه خدمات درمانی هستند و نمی‌توانند به دکترهای خصوصی مراجعه بکنند و تنها مؤاخر بهداشتی آن‌ها را پذیرا هستند.

سلف سرویس نامناسب، با وضع بد غذا و گرانی آن، باعث شده که کارگران با خود غذا بیاورند و از این نظر هم مشکلاتی داشته باشند. لازم به یادآوری است که برای کارهای کشاورزی، از کود کان کسالم برای کشت استفاده می‌شود.

کارفرمایان: سهامداران این کارخانه از عمال دربار پهلوی بودند و دست‌نشاندهاگان آن‌ها کارخانه را زیر نظر داشتند، که حقوق‌های کلان و مزایای فوق العاده آن‌ها سر به دهها هزار تومان در ماه می‌زند. برای مثال روسای بخش‌های مختلف این کارخانه حقوق‌های حتی ۳۶۰۰۰ تومانی و بیشتر، که مستقیماً از مرکز می‌آید، دریافت می‌کنند. کارگران این کارخانه در مهرماه گذشته یک اعتصاب ۳۵ روزه کردند، که با مخالفت شدید کارفرمایان روبرو شدند. این اعتصاب برای خواستهای اقتصادی بود، اما مخالفت کارفرمایان لطعات شدید مالی به کارخانه وارد آورد، حتی به مرحله تعطیل دائمی شرکت رسید که تصمیم گرفته شد بعضی خواست‌های جزئی کارگران را بپذیرند.

گزارشی از کارخانه قند و تصفیه شکر دزفول

کارخانه قند و تصفیه شکر دزفول: تعداد کارکنان ۲۶۰ نفر، استخدام رسمی (۲۳۰ نفر کارگر) و ۱۲۰۰ نفر استخدام پیمانی (۱۱۵۰ نفر کارگر)

سهام‌داران: خاندان پهلوی و عمال درباری که توسط ایادی خود کارخانه را اداره می‌کردند، ولی به علت دزدی‌های کلان، طرح‌ها و برنامه‌های این کارخانه با شکست روبه‌رو شد و بعد از سردرگمی و نابسامانی‌های بسیار، کارخانه به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تحویل داده شد.

تکتای چند در مورد کارخانه: کارخانه در ۳۵ کیلومتری دزفول بنا شده و ۹۰ درصد کارگران آن را روستائیان اطراف تشکیل می‌دهند. این کارگران همان کشاورزان سابق هستند، که در اثر ورشکست کشاورزی در سطح مملکت، به این کارخانه رو آوردند و بازده کارشان خیلی پایین‌تر از سابق است.

رفت و آمد کارگران تنها به وسیله دو مینی‌بوس و دوجیب انجام می‌گیرد. محیط کارخانه غیر بهداشتی است و از نظر رفاهی کاملاً عقب مانده است. کارخانه فاقد درمانگاه، دارو و هرگونه وسایل بهداشتی است.

وضع کارگران: اکثر کارگران کارخانه روستایی هستند و حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند و از لحاظ آگاهی سیاسی در سطحی پایین قرار دارند، به همین علت بالاترین درجه استثمار بر این کارگران وارد می‌شود. کارفرمایان برای پیشبرد کار خود کارگران را به اضافه کاری‌های اجباری و بدون حقوق وامی‌دارند به طوری که کارگران به جای ۸ ساعت کار قانونی، بالاچار ۱۲ ساعت کار می‌کنند و حتی جمع‌ها مجبورند کار کنند و هرگونه اعتراضی با تهدید به اخراج سرکوب می‌گردد.

حقوق کارگران روزانه ۴۲ تومان است، که با کسر کردن ۱۷ درصد مالیات و بیمه برای مخارج زندگی خانواده‌های پرجمعیت آنها، بسیار ناچیز است.

هیچ گونه وسیله‌ای از جمله کفش، کلاه، کمربند، لباس و سایر وسایل ایمنی در اختیار کارگران قرار نمی‌گیرد و به همین دلیل در این مدت کوتاه عمر کارخانه، تا بحال ۸ نفر از کارگران از ارتفاعات سقوط کرده و کشته شده‌اند. متأسفانه خانواده این کارگران هم اکنون بی سرپرست مانده‌اند و هیچگونه حقوق و مستمری از طرف کارفرما دریافت نمی‌کنند.

کارگران از تغذیه سالم محرومند و کارفرمایان هیچ گونه اقدامی در این مورد برای آنها نکرده‌اند. کارگران این کارخانه در واقع از همه حقوق صنفی و سیاسی محرومند.

وضع کارفرمایان: کارفرمایان همگی عمال سرمایه‌داری‌اند و از مرکز منصوب می‌شوند. این‌ها با حقوق روزانه ۱۰۰۰ تومان و وام‌سکن‌های مدرن، با تمام وسائل رفاهی و بهداشتی و همه چیز اتمیلهای گرانقیمت، زندگی می‌کنند. این افراد در هفته تنها سه روز به کارخانه سری می‌زنند و به اصطلاح سرکشی می‌کنند و بقیه اوقات خود را صرف کارهای دیگرشان می‌کنند.

این‌ها با دریافت حقوق‌های کلانی که بابت جق مأموریت می‌گیرند، در تهران و شمال در ویلاهای خود به خوشگذرانی مشغولند. وضع تولید: این کارخانه قرار بوده که در سال ۱۳۵۵ قند و شکر تولید کند، اما اکنون که ۱۳۵۸ است، هنوز به مرحله تولید نرسیده است و هر چه مورج و بی برنامگی در کار کارخانه بوضوح به چشم می‌خورد.

تحصن کارکنان هتل بین‌المللی تهران

در سومین روز تحصن، ما کارکنان اخراجی هتل بین‌المللی تهران تقاضای خود را برای چندمین بار با کارفرما در میان نهادیم لکن هیچ کدام از آن‌ها مورد موافقت کارفرما قرار نگرفت. کارفرما، مهدی باتمان قلیچ سرمایه‌دار معروف وابسته به دربار منحوس پهلوی است که در اوج انقلاب مردم ۳۵۰ نفر را که حد اقل چند سال متوالی در آن مؤسسه کار می‌کردند به حال خودشان رها کرد.

ما گفتار آقای باتمان قلیچ در مجلس کذائی محمدرضا پهلوی را در سال ۴۷ هنوز به خاطر داریم که می‌گفت من به اندازه خاک سوس ملک دارم. آن درآمدهای هنگفت که ماهانه اغلب بیش از ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بود در کدام بانک خارجی انباشته است، ما کارکنان اخراجی از تمام نیروهای ملی و دموکراتیک خواستاریم حمایت‌شان را از ما دریغ نورزند.

خواست‌های ما:

۱. گشایش مجدد هتل و بازگشت کلیه کارکنان اخراجی به سرکار.
۲. پرداخت تمامی حقوق و مزایای عقب افتاده کارکنان.
۳. افزایش حقوق کارکنان با توجه به هزینه سرام‌آور زندگی.
۴. تقلیل ساعات کار به ۴۸ ساعت در هفته.
۵. پاکسازی هتل از عوامل مزدوری که در دوران خفقان همواره عامل سرکوب و استثمار هرچه بیشتر ما کارکنان بودند.

شورای کارکنان اخراجی هتل بین‌المللی تهران

از کمک شما سپاسگزاریم

از دوستان گرامی زیرین به مناسبت کمک مالی به حزب صمیمانه سپاسگزاریم:

دوست گرامی شماره ۹۳۷۶۳۷ ۱۰۰ هزار تومان
دوستان گرامی آقای شاهین و بانو ۵۰۰ تومان شماره ۳۰۴۲۸۰ ۲۰۰ هزار تومان

بقیه در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما تردیدی نداریم که زحمتکشان و سایر میهن پرستان ایران، در صورت ارائه چنین نقشه‌ای، همانطور که در تمام جریان انقلاب نشان داده‌اند، آماده‌اند که با ابراز فداکاری و گذشت، اجرا و موفقیت چنین نقشه‌ای را تضمین کنند.

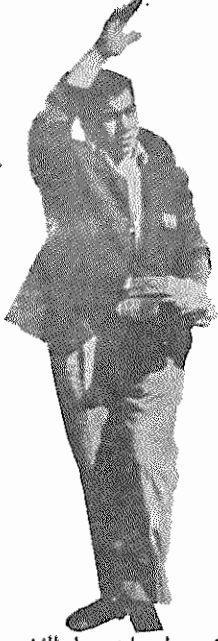
ولی با کمال تأسف ما شاهد آن هستیم که موضع‌گیری مترزلز و ناپی گیر دولت موقت، جنبش انقلابی میهن ما را با دشواری‌های بزرگی روبرو ساخته و بدون تردید ادامه آن، مشکلات بازم بزرگتری را به وجود خواهد آورد.

وظایف نیروهای انقلابی

در چنین شرایطی که دولت موقت، بر اثر ضعف خود در اتخاذ تصمیمات طامع

تختی قهرمان مردم

به مناسبت سالگرد شهادت تختی



روزی که مطبوعات ساواک زده، خبر «خودکشی» جهان پهلوان تختی، این ورزشکار محبوب مردم را پخش کردند، حتی مأمورین ساواک هم بدین دروغ شاهوار، باور نداشتند.

غلامرضا تختی از زمره آن ورزشکاران ایرانی بود که جاه، مقام و صلحهای دربار پهلوی را با مهر مردم مبادله نکرد و همواره در صف مردم و برای مردم زیست.

دربار پهلوی دستگاه عریض و طولیل ورزشی اش چون توانست جهان پهلوان را به پایوسی و چاپلوسی بکشد و چون دید روز به روز بر محبوبیت او افزوده می‌گردد، تصمیم به نابودی این رادمرد گرفت. مرگ مرموز تختی، حتی در آن شرایط مرکباز خفقان نتوانست از انظار مردم پوشیده بماند، تا جایی که کیهان ورزشی در باره مراسم تشییع جنازه او نوشت:

«صورت و چهره خنده‌روی او، در حالی که دستش را به‌عنوان قدردانی بلند کرده بود و یک‌کمی بالاتر از تابوت دیده می‌شد... مثل این که می‌خواست چیزی بگوید... شاید هم داشت قاتلین خود را معرفی می‌کرد.»

مرگ تختی نه فقط ورزشکاران و علاقه‌مندان به ورزش را متأثر ساخت، بلکه مردم میهن پرست و زحمتکش را در اندوهی عمیق فرو برد. تظاهر این آندوه را می‌توان در سوگ تختی دید. حتی روزنامه اطلاعات تحت سانسور شدید ساواک نتوانست از کنار این حقیقت بگذرد:

«عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تاکنون هرگز سابقه نداشته و تجلیلی که از قهرمان ملی گردید، خارج از حد معمول و انتظار بود.»

امسال، در بهار آزادی، مردم حق شناس تهران بر مزار تختی جمع شدند، تا بسا قهرمان بی‌کارجوی خود تجدید عهد کنند. پادش گرامی باد.

از صنایع ذوب آهن...

تومان خواهد رسید. در این مرحله علاوه بر اینکه کارخانه کاملاً اقتصادی و سودده خواهد بود، معادل همین رقم نیز ارز صرفه‌جویی خواهد گردید.

با توجه به مطالب فوق آیا کشوری که در سایه انقلاب مردمی می‌خواهد در جهت اقتصادی سالم و با ثبات و استقلال صنعتی حرکت نماید، سزاوار است این چنین به ناحق صنعت مادر را، که هنوز در ابتدای راه است، تهدید به تعطیل و کارکنان زحمتکش آنرا سرکوب نمود؟ با قبول این اصل که هیچ مملکتی بدون، صنایع فولاد و تولید ورق نمی‌تواند از صنعت موتاز یا فراتر نهد و دست استعمار را قطع نماید، اهمیت توسعه مراحل بعدی ذوب آهن به منظور تولید ورق بیشتر روشن می‌شود، ضمن این که نقش ذوب آهن بعنوان یک صنعت بزرگ و مادر در تشکیل قطبهای اقتصادی قابل توجه و تاثیر این قطب بر روی محیط و صنایع اطراف خود موجب رشد سریع اقتصادی آن منطقه می‌گردد.

لذتی است که در انتقام نیست! قراردادهای اسارت آور را نمی‌توان به یکباره پاره کرد، باید حوصله کرد! مستشاران امریکائی، یعنی جاسوسان امریالیسم را نمی‌شود به یکباره بیرون ریخت، باید بخشی از آنرا نگه‌داشت و بخشی دیگر را برگرداند! قراردادهای اسارت آور و جنایات شاه را نمی‌توان بر ملا کرد! مؤسسات صنعتی، مالی و کشاورزی متعلق به وابستگان به‌رژیم و امریالیسم را نمی‌شود ملی کرد! باید به آن‌ها امکان داد و حتی کمک کرد که به‌غارت‌گری بی‌بند و بار ثروت‌های ملی و حاصل دسترنج زحمتکشان ادامه دهند!

ارتش را باید هرچه زودتر به‌دست همان افسران دست‌نشانده رژیم شاه بازسازی کرد، تنها به‌شرط این که تعهد خدمت به‌جمهوری اسلامی بجا بیاورند! حتی ساواک را دوباره بصورتی برای مردم قابل هضم ساخت! اقتصاد کشور را تنها از راه کمک‌های مالی به‌سرمایه‌داران و کارخانه‌داران می‌توان به‌راه انداخت! به‌مؤسسات متعلق به انحصارهای جهان‌خوار امریالیستی نمی‌شود دست‌زد! آزادی را نمی‌شود به‌همه داد! قوانینی که رژیم خیانت پیشه پهلوی علیه آزادی وضع کرده، در مورد آن نیروها و سازمان‌های سیاسی که طبق سلیقه زمامداران عمل نکنند، به‌قوت خود باقی است! احکام جنایت‌بار علیه مبارزان انقلابی که پنجاه سال با رژیم پهلوی جنگیده‌اند، به‌قوت خود باقی است! قرارداد کاپیتولاسیون با استعمارگران امریکائی هم به‌قوت خود باقیست!

کوتاه سخن، این خط سازشکارانه، که در مقابل خط انقلابی قد علم کرده و هر روز بیشتر شکل می‌یابد و متبلور می‌شود، خطی است در جهت جلوگیری از گسترش انقلاب ضد امریالیستی، خلقی و دموکراتیک مردم، خطی است در جهت تبدیل رژیم وابسته به‌رژیم «نیمه وابسته» به‌امریالیسم، خطی است در جهت برگرداندن دستان‌وردهای انقلاب.

البته هنوز هیچ سازمان سیاسی بطور روشن این برنامه سازشکارانه و تسلیم‌آمیز را مطرح نکرده، زیرا هنوز جرئت مطرح کردن آنرا ندارد، ولی این خط از لابلای سمت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی که نماینده جناح راست جنبش هستند و با طبقات حاکمه سابق، یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته به‌امریالیسم و رژیم پیوند وابستگی دارند، خوانده می‌شود. این راهم باید عمیقاً مورد توجه قرار داد که این نیروها در بسیاری موارد با شعارهایی به‌کلی فریبنده، که هدفشان گمراه کردن خلق است، وارد میدان می‌شوند و دست به‌تبلیغات عوام‌فریبانه دامنه‌داری زده‌اند تا از احساسات و اندیشه مترقی مردم به‌سود پیشبرد مقاصد خویش استفاده کنند.

ضد انقلاب داخلی و خارجی، یعنی جاسوسان و عمال امریالیسم، ساواکی‌ها و ساواک زده‌ها، که هنوز پایگاه‌های مهمی را در دستگاه دولتی و اداری اقتصادی کشور در دست دارند، و با استفاده از عدم هشیاری کامل نیروهای انقلابی توانسته‌اند حتی در ارگان‌های اجرائی جنبش انقلابی رسوخ کنند، می‌کوشند با تمام نیرو، با ایجاد بلوا و آشوب در این گوشه و آن گوشه کشور، با خرابکاری در چرخ‌های اقتصادی، با ایجاد دشواری‌های جدید از راه احتکار، گران کردن قیمت‌ها، با ایجاد نفاق و بدبینی و دشمنی در میان نیروهای انقلابی، راه را برای پیشرفت این خط سیاسی سازشکارانه و تسلیم‌آمیز باز کنند.

این نیروها با زبردستی و با کمک عناصر خود، در همه‌جا می‌کوشند از کوچک‌ترین فاسق‌ها و اشتباهات فرعی در صفوف نیروهای انقلابی، در کار سپاه پاسداران انقلاب، در کار دادگاه‌های انقلابی استفاده کنند، از گاهی کوهی بسازند و با توپخانه سنگین علیه این مواضع اصلی انقلاب آتش کنند.

جالب توجه است که چگونه تمام تبلیغات جهان امریالیستی در این زمینه همیشه یار و پشتیبان آن‌ها است.

موقعیت دولت

در میدان برخورد این دوخط سیاسی، یعنی خط خلق انقلابی و خط سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ دولت کنونی قرار دارد. اقدامات دولت موقت را، از آغاز تاکنون، به‌طور کلی ناپیگیر و غیر قاطع می‌توان ارزیابی کرد. با این ویژگی، که جنبه‌های محافظه‌کارانه و تسلیم‌آمیز آن هر روز شدت می‌یابد.

درست است که دولت با مشکلات عظیمی در زمینه بازسازی زندگی اقتصادی کشور روبه‌رو است؛ درست است که دولت کادر کافی و آزموده برای اداره همه مؤسسات از هم‌گسخته ندارد؛ درست است که دولت موقت اقداماتی انجام داده که در جهت خواست جنبش انقلابی مردم است (مانند پایان دادن به‌فعلیت کنسرسیوم نفت، خروج از پیمان سنتو، اخراج بخش عمده کارشناسان امریکائی، لغو بخش عمده‌ای از سفارش‌های تسلیحاتی به‌کشورهای امریالیستی، پایان دادن به‌فعلیت جاسوسی امریالیست‌های امریکائی علیه کشورهای همسایه و برخی اقدامات دیگر) که همگی مورد پشتیبانی کامل نیروهای میهن‌پرست می‌باشد. ولی در مقابل این اقدامات، هم در زمینه سیاست داخلی و هم در زمینه سیاست خارجی، ناپیگیری‌ها و در موارد بسیاری موضع‌گیری‌های دولت در جهت خط دوم، یعنی خط سازشکارانه، بطور چشم‌گیری جلب توجه می‌نماید.

آقای نخست‌وزیر بطور روشن مخالفت خود را با یکی از عمده‌ترین دستاوردهای انقلاب، یعنی وجود و عمل سپاه پاسداران انقلاب و دادگاه‌های انقلاب بیان می‌دارد و در این میدان خود را از جنبش انقلابی جدا می‌سازد.

آقای نخست‌وزیر در زمینه توسازی اقتصاد کشور، با تکیه نامتناسب به‌مشکلات موجود که قابل انکار نیست - از سمت‌گیری منحصر در جهت ریشه‌کن ساختن اقتصاد وابسته به‌امریالیسم دوری می‌جوید و به‌این ترتیب خود را از جنبش انقلابی جدا می‌سازد.

آقای نخست‌وزیر برای حل مسائل اقتصادی مردم، تقریباً به‌طور یکطرفه روی تقویت سرمایه‌داران تکیه می‌کند و به‌لزم حل مشکلات از راه خلقی آن، یعنی راه تکیه به‌نیروی خلاقه کارگران، مهندسیین و کارمندان و مدیران میهن‌پرست و ملی هیچگونه توجهی ندارد.

سخن کوتاه، دولت موقت می‌کوشد، کمی موقعیت خود را منحصراً برپایه‌مشکلات اقتصادی، خواست‌های غیر منطقی! زحمتکشان، مشکلات ناشی از فعالیت نیروهای انقلابی و برخی رهنمودهای غیر واقع‌بینانه! امام‌خمینی توجیه کند. در صورتی که برخورد درست به‌کار دولت همه میهن‌پرستان راستین را به‌این نتیجه می‌رساند که عدم موقعیت دولت موقت در حل مشکلات، بیش از هر چیز دیگر محصول سمت‌گیری غیر انقلابی، نداشتن نقشه هم‌جانبه‌خلقی برای حل مشکلات است.

اگر دولت برپایه خط انقلابی، که مورد پشتیبانی اکثریت شکننده مردم است، نقشه‌های کوتاه مدت و دراز مدتی را ارائه دهد، نقشه‌هایی که نه تنها با وعده‌های پرطمطراق و بدون محتوا، بلکه به‌طور روشن واقع‌کننده به کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و روشنفکران و کارمندان و سرمایه‌داری کوچک و متوسط راه برون رفت از وضع بحرانی کنونی و رسیدن به‌خواست‌های حقشان را نشان دهد و اقدامات فوری و طولانی ضرور را مطرح سازد، نمیتوان تردید داشت که مورد پذیرش و پشتیبانی همه نیروهای اصیل و میهن‌پرست و هوادار پیشرفت قرار خواهد گرفت.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ضد انقلاب به‌دست عناصر خود در دستگاه دولتی، در ارتش و سایر نیروهای انتظامی می‌کوشد در راه عملی شدن یکی از عمده‌ترین ضرورت‌های تحکیم انقلاب، یعنی تصفیه این دستگاه‌ها از کارگزاران و وابستگان رژیم فاسد و ساواکی شاه کارشکنی نماید.

ضد انقلاب می‌کوشد با وارد کردن عناصر خود در صفوف نیروهای انقلابی، با ایجاد دسته‌ها و گروه‌های ضد انقلابی با ظواهری مردم فریب، گاه با رنگ‌های مذهبی افراطی و گاه با شعارهای ماوراء چپ انقلابی، در راه نزدیکی نیروهای راستین انقلابی سنگ اندازد و این نیروها را علیه هم تحریک کند و به‌خود مشغول دارد و تضعیف و متفرق نماید تا راه غلبه بر آن‌ها هموار گردد.

نیروی سازشکار

اما نیروهای ناپیگیر و سازشکار همان نیروهایی هستند که در تمام دوران گسترش جنبش انقلابی می‌کوشیدند شور انقلابی مردم را خاموش کنند، مردم را به خانه‌نشینی فرا می‌خواندند و تلاش می‌کردند تا در زیر پوشش دفاع از قانون اساسی، بنیاد سلطنت را حفظ کنند و مهم‌ترین پایگاه قدرت رژیم، یعنی ارتش و پلیس و ژاندارمری ساواک‌زده و دست پرورده امریالیسم و صهیونیسم را دست نخورده نگه‌دارند و عمده‌ترین تمهیدات رژیم شاه را به‌امریالیست‌ها، با توسل به‌بهباه‌های مختلف پابرجا بگذارند.

این نیروها می‌کوشیدند پیشرفت جنبش ده‌ها میلیونی خلق را، که زیر رهبری پی‌گیر و قاطع و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، با هدف‌گیری مشخص و بدون تزلزل در جهت برانداختن نظام فاسد و پوسیده سلطنتی، در راه ریشه‌کن کردن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امریالیست‌ها، و در درجه اول امریالیسم امریکا و صهیونیست‌ها، از سراسر زندگی اجتماعی میهن ما، در راه تامین کامل آزادی‌ها و ارزش‌های انسانی برای همه مردم محروم، در راه به‌کار انداختن ثروت‌های بیکران ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود محسوس زندگی محرومان جامعه، با سرعتی بی‌نظیر گسترش می‌یافت، ترمز کنند و با پخش بندر یاس و ناامیدی، بازرگ کردن نیروی رژیم شاه و حامیان امریالیست و صهیونیستش، مردم را از ادامه مبارزه باز دارند.

ولی جنبش خلق مانند سیلی نیرومند، همه سدهائی را که این سازشکاران در سر راهش قرار می‌دادند، درهم شکست و راه خود را باز کرد، سنگ‌های امریالیسم و رژیم شاه را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و با قیام تاریخی خود آخرین سنگر جهنمی دشمنان، یعنی لشکر گارد را از پای درآورد.

هنگامی که دیگر معلوم می‌شد که رژیم شاه هر روز متزلزل‌تر می‌گردد و دیگر هیچ‌نیروی در داخل ایران توانائی جلوگیری از این پیشروی ظفرنمون جنبش خلق را ندارد، و روشن گردید که حامیان امریالیستی و صهیونیستی رژیم شاه، با توجه به‌نیروی عظیم دوستان و هواداران جنبش انقلابی ایران در صحنه جهانی، جرئت و جسارت دخالت نظامی در ایران را ندارند، این نیروها، بخشی صادقانه و پی‌گیر و بخشی ریاکارانه و تنها برای گرفتن مواضع قدرت، به‌جنبش پیوستند.

دو خط مشی در دوران سازندگی

جنبش انقلابی ایران، علی‌رغم ناپیگیری‌های جناح سازشکار، پیروز شد و زیر رهبری امام خمینی دولت موقت انقلابی تشکیل گردید. رژیم فاسد چند هزار ساله سلطنتی بزباله‌دان تاریخ افتاد، جمهوری اسلامی رسمیت یافت و دوران سازندگی نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نوین، نظام انقلاب ضد امریالیستی و خلقی آغاز گردید. ولی خیلی زود آشکار شد که همه آن نیروهایی که در آستانه انقلاب در صف واحدی برای پیروزی آن تلاش می‌کردند، برای ساختمان نظام نوین اجتماعی، نظر واحدی ندارند و برپایه همین اختلاف‌نظر به‌طور مشخص دو خط اساسی برای پی‌ریزی دوران جدید پدیدار گردید: یکی خط انقلابی و پی‌گیر و دیگری خط سازشکارانه و ناپیگیر. ویژه‌گی‌های سمت‌گیری انقلابی و پی‌گیر چنین بود که باید با سرعت و بدون تزلزل، پایه‌های رژیم فاسد شاه را درهم شکست، سازمان جهنمی ساواک را نابود کرد، ارتش، ژاندارمری، پلیس و دادگستری را از کلیه وابستگان و سرسپردگان به‌رژیم کهنه تصفیه و نوسازی کرد، و در انتظار این نوسازی، گروه‌های مسلح خلق، پاسداران انقلاب را هم‌جانبه تقویت نمود، دادگاه‌های انقلاب را مأمور اجرای سریع خواست‌های انقلابی خلق در زمینه مجازات خائنین و جنایت‌کاران ساخت و از آن هم‌جانبه پشتیبانی کرد، جنایت‌کاران را بدون توجه به‌جنجال حامیان امریالیست‌ها به‌سختی مجازات نمود و به‌پلنگان تیزدندان مردم خوار هیچگونه ترحمی را روا ننمود، آزادی‌های فردی و اجتماعی را برای همه مردم، با استثنای جنایت‌کاران و غارت‌گران رژیم سرنگون شده، تامین کرد، قراردادهای اسارت آور سیاسی و نظامی و اقتصادی را با امریالیست‌ها لغو کرد، از ستو خارج شد، قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا و صدها قرارداد سری وابسته به آن را پاره کرد، ایران را به‌رگره کشورهای غیر متعهد وارد ساخت، از جنبش‌های رهاپیش ضد امریالیستی در سراسر جهان و بویژه از جنبش رهاپیش خلق عرب فلسطین هم‌جانبه پشتیبانی کرد، حاکمیت کامل ملی را بر منابع نفت مستقر ساخت، درآمد نفت را برای به‌راه انداختن چرخ‌های اقتصاد کشور و بهبود زندگی محرومان جامعه به‌بار انداخت، اقتصاد کشور را از چنگال سرمایه‌های انحصاری امریالیستی - صهیونیستی و سرمایه‌داران وابسته به آنان خارج ساخت، ثروت‌ها و سرمایه‌ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی و بانکی متعلق به‌خاندان جنایت‌کار پهلوی و وابستگان و کارترانش، که تقریباً همه سرمایه‌داران و زمین‌خواران وابسته به امریالیسم و رژیم را دربر می‌گیرد و اثرشان با ثروت‌های بی‌حساب به‌خارج گریخته‌اند، ملی کرد و با دست توانای نیروهای خلق و با کمک اقتصادی دولت به‌راه انداخت، با تصمیمات قاطع در جهت لگام‌زدن به‌غارت‌گری سرمایه‌داران سودجو و سفته‌بازان و با بهبود وضع درآمد محرومان، توده‌های ده‌ها میلیونی مردم را از نمره انقلابی که برای پیروزی آن همه فدا کاری کردند، بهره‌مند ساخت.

این‌ها همه خواست‌های مبرم و بدون چون و چرای همه نیروهای انقلابی خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و بخش ملی و میهن‌پرست سرمایه‌داری ایران است، که به‌طور عمده سرمایه‌داران کوچک و متوسط را دربر می‌گیرد. این خواست‌ها در رهنمودهای بدون ابهام امام خمینی نیز به‌طور پی‌گیر بازتاب یافته و مورد پشتیبانی بدون چون و چرای همه سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی راستین میهن ما قرار گرفته است.

در برابر این خط سیاسی پی‌گیر و انقلابی، از همان روزهای نخست پس از پیروزی، از طرف بخشی از گردانندگان دولت موقت، و هم‌چنین از طرف محافظ وابسته به‌سرمایه‌داری بزرگ ایران، موضع‌گیری‌هایی آغاز شد که کم‌کم به‌صورت یک خط مشی سیاسی سازشکارانه و ناپیگیر متبلور گردیده است.

عناصر عمده این خط را می‌توان چنین بیان کرد:

جنبش انقلابی ایران در همه زمینه‌ها زیاد بجلو رفته و باید آنرا به‌سرحد «اعتدال» برگرداند! پیش از هر چیز نسبت به‌جنایت‌کاران و غارت‌گران رژیم گذشته باید با «رحم و شفقت» رفتار کرد! باید از «تقصیر» آنان گذشت! «در عفو

جهان در یک هفته

جنایت گسترده در پناه حمایت بی‌دریغ

به نوشته روزنامه لوموند، اسرائیل تجاوز گسترده و مداومی را به پناه «انتفاجویی» علیه فلسطینیها در لبنان آغاز کرده است، در هفته‌ای که گذشت، نه فقط جنوب لبنان که همیشه در معرض تجاوز اسرائیل قرار داشته، بلکه نواحی شمالی آن کشور نیز چند بار هدف بمباران‌های متوالی واقع شد. گرچه به شهادت تجارب مکرر گذشته، زمامداران صهیونیست اسرائیل عملاً آنبات کرده‌اند که گوش‌هایی دارند که بدان صدای اعتراض‌ها و اعلام محکومیت‌ها را نمی‌شنوند و چشمانی دارند که همیشه بر ضوابط و تضمینات بین‌المللی بسته‌اند، لکن در پی هر تجاوز، آثار داغ محکومیت‌ها بر بیانی اسرائیل فرو نتر و انزوای آن بیشتر می‌شود.

الیاس سرکیس رئیس جمهوری لبنان ضمن اعلام این مطلب که کشور وی به تنهایی یاری تحمل سنگینی بار عواقب و آثار تجاوزات جنایتکارانه اسرائیل را ندارد، برادران عرب را به توحید مسامی و اقدام سریع فرا خواند. وی که در اجلاس هفتگی شورای وزیران سخن می‌گفت، متذکر شد که لبنان از سازمان ملل خواسته است که برای پایان بخشیدن به تجاوزات شدید اسرائیل علیه لبنان، سریعاً مداخله کند. فؤاد پطرس وزیر امور خارجه لبنان نیز در گفت و گویی با مطبوعات این کشور درباره تجاوزات اسرائیل گفت: «رهبران لبنان باید تاس‌های خود را با دولت‌های عرب فرو نتر ساندند تا تصمیمی مشترک درباره تشکیل کنفرانسی از سران کشورهای عرب به منظور بررسی اوضاع جنوب لبنان اتخاذ شود».

همزمان با این تجاوزات گسترده، زمامداران صهیونیست اسرائیل از تدارک و اجرای مداوم برنامه‌های توسعه طلبانه نیز غافل نیستند! و این توسعه طلبی چنان شور شده که نیویورک تایمز هم فهمیده است.

این نشریه معتبر امریکایی، کار ایجاد آبادی‌های یهودی‌نشین را در سرزمین‌های اشغالی از طرف اسرائیل «اقدام فرصت‌طلبانه خطرناک» توصیف کرده است. طرزی، ناظر دائم سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سازمان ملل متحد، در این باره نامه‌ای به رئیس شورای امنیت نوشت و تصریح کرد: «احداث مجدد آبادی‌های یهودی-نشین در ساحل غربی رود اردن گناه بر آن است که اسرائیل تصمیم گرفته است که به سیاست تجاوزکارانه خود علیه خلق فلسطین ادامه دهد. بنابراین خلق فلسطین طبیعتاً و قانوناً حق دارد که با همه نیروهای خود از جمله با مبارزه مسلحانه در برابر اعمال این سیاست مقاومت کند».

لکن اسرائیل صراحتاً اتخاذ چنین تصمیمی را اعلام می‌کند. چنان‌که عزروایزین وزیر دفاع اسرائیل گستاخانه می‌گوید: «این کشور به حملات خود علیه کماندوهای فلسطین در هرجا، در هر زمان و به هر شیوه‌ای ادامه خواهد داد».

با اینحال پیداست که سرانجام افکار عمومی جهان متجاوزان را سر جایشان خواهند نشاند و راه حلی عادلانه، صلح‌آمیز و پایدار را بر اسرائیل تحمیل خواهند کرد.

ادوار گمی‌یرک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان، در پیامی به محافظان، رئیس‌جمهوری سوریه نوشت: «هیچ‌گونه راه حلی برای مساله خاورمیانه، بدون مشارکت همه جناح‌های ذینفع، از جمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین، تنها نماینده قانونی خلق فلسطین، متصور نیست»، گمی‌یرک متذکر شد که تنها راه حل مساله «خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های عربی و شناسایی حقوق مردم فلسطین است».

مصر دست‌اندرکار اجرای نقش ژاندارمری

آثار و نتایج پیش‌بینی و اعلام شده توطئه نظامی امریکا - اسرائیل - مصر به تدریج ظاهر می‌شود. خبرگزاری تاس در این مورد گزارش داد که نیروهای هوایی مصر اخیراً تجهیزات چتربازی و اسلحه جدید امریکایی دریافت کرده‌اند. خبرگزاری شوروی سپس تصریح کرد که «تحويل این تجهیزات ناشی از این واقعیت است که نیروی سربازی مصر دیگر عهده‌دار مأموریت دفاع از مرزهای این کشور نیست، بلکه خود را برای حمله به کشورهای عرب و قاره افریقا آماده می‌کند».

روزنامه البعث، ارگان حزب حاکم سوریه نوشت که طرف‌داران توطئه امریکایی - اسرائیلی - مصری کمپ‌دیوید دست‌اندرکار تدارک یک مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس هستند. این روزنامه تصریح کرد که هدف توافق‌های کمپ‌دیوید و پیمان‌های اصطلاح صلح مصر و اسرائیل، تدارک نقشه‌ای جغرافیائی تازه‌ای از خاورمیانه به کمک امریکا است. البعث همچنین اعلام کرد که سادات با اعزام نیروهای نظامی به سلطان‌نشین عمان و سودان مقدمات فشار بر کشورهای خلیج فارس و احیای اختلافات مرزی میان کشورهای این منطقه را فراهم می‌آورد. این روزنامه سپس در ضمن تاکید بر تهدیدهای امریکا در مورد تقویت حضور بحری این کشور و خطر ده‌ها هزار کراهی و مهاجران دیگر در کشورهای ساحلی خلیج فارس، از این لحاظ ابراز نگرانی کرد که حضور اسرائیل در خلیج عقبه و شرم‌الشیخ موجبات اجرای سریع توطئه حضور نظامی را فراهم آورد.

کوشش برای شریک‌چرم تراشی

شاهزاده حسن، برادر ملک‌حسین، پادشاه اردن، در مصاحبه‌ای با روزنامه القیس، چاپ کویت، بی‌آن‌که نام امریکا را ببرد، اعلام کرد که فشارهای شدیدی بر اردن وارد می‌شود تا این کشور نیز به سمت و گوی با اسرائیل تن دردهد. لکن زمامداران کشورهای عرب، حتی آن‌ها که همیشه در مظان اتهام وابستگی به غرب قرار داشته‌اند، و دارند، جانب مال‌اندیشی را - ضمن تامل در سرنوشت تلخ سادات - فرونی‌گذارند و حاضر نیستند به مصیبت انزوای سادات، این جزای تبیی و طبیعی خیانت‌او، دچار آیند.

انزوا، جزای تبیی خیانت‌سادات

لحن خبرگزاری رویتر در گزارش مربوط به اقدام اخیر مبادله اسناد میان مصر و اسرائیل در خور تأمل است. این خبرگزاری در گزارش خود اعلام کرده که مبادله اسناد مصوب پیمان صلح جداگانه، که با مخالفت شدید اعراب مواجه شد، میان مصر و اسرائیل انجام گرفت. رویتر متذکر شد: «این پیمان، که امریکا در انعقاد آن نقش مهمی بر عهده داشته است، باعث انزوای مصر در میان ملت‌های عرب شده است. مخالفان رژیم سادات اعتقاد دارند که مصر با امضای این پیمان، موافقت کرده است که نقش ژاندارم امریکا را در خاورمیانه ایفا کند...».

از جمله موارد انزوای مصر، اخراج این کشور از «کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای خاور میانه» است. خبرگزاری بغداد در این مورد اعلام کرد که نمایندگان ۱۴ کشور عضو کمیسیون، به منظور حفظ وحدت این سازمان و برای آن‌که هدف‌های آن به نحو احسن جامه عمل پوشد، متفقاً بدین اقدام مبادرت ورزیدند.

از طرف دیگر دبیرخانه دائمی کنفرانس خلق‌های عرب، ضمن صدور اعلامیه‌ای، از همه نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه جهان عرب خواست که روز اول ماه مه را به روز «واکنش مشخص» در برابر پیمانی که میان «کارت‌ر امریکاییست، بگین تروریست، و خائن مغلوب (سادات)» انعقاد یافته، بدل سازند.

کار انزوای سادات و خوف او از خیانتی که مرتکب شده (به مصداق: الخائن خائف) به جایی رسیده که به نوشته النوره، چاپ دمشق، در داخل کشور دست به تصفیه‌های وسیع زده است، به طوری که اخیراً پنجاه نفر از افسران آزاداندیش مصر را معدوم و صدها تن از مخالفان خود را محبوس ساخته است!

اخلال‌گری، تجاوز و «دیپلماسی دو دوزه‌بازی» پکن

روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که رهبران مائوئیست چین از جاده قاراقوروم، که پاکستان را از میان سلسله‌جبال هیمالیا به چین وصل می‌کند، برای فعالیت‌های خراب‌کارانه علیه کشورهای همجوار، خاصه هند و افغانستان استفاده می‌کنند.

روزنامه ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی همچنین نوشت: «چین برای احداث این جاده به پاکستان کمک کرده است تا از این طریق مخفیانه گروه‌های تعلیم‌دیده‌ای را برای مداخله در دولت‌های هندی جمو و کشمیر اعزام دارد و در شرایطی بهتر ساز و برگ نظامی به مرز هند ارسال کند».

پراودا تصریح کرد که پکن از همین جاده برای فعالیت‌های تخریبی علیه افغانستان استفاده می‌کند و اسلحه برای عناصر ضد انقلابی در افغانستان می‌فرستد.

از طرف دیگر خبرگزاری جمهوری سوسیالیست ویتنام اعلام کرد که کتیل‌وزارت امور خارجه لاوس در نامه‌ای که به سازمان ملل متحد نوشته، اعلام کرده که زمامداران مائوئیست پکن خود را برای جنگی تجاوزکارانه با لاوس آماده می‌کنند. در این نامه از سازمان ملل خواسته شده است که در برابر تهدید مسلحانه و اقدامات تجاوزکارانه نیروهای چینی علیه مرز لاوس تدابیر ضرور اتخاذ شود.

در این میان دولت بنومین از دولت ارتجاعی تایلند، که در پیمان تجاوزکارانه چین علیه نظامات ترقی‌خواه شرق آسیا همکاری و همدستان زمامداران مائوئیست پکن است، خواست تا کمک‌های خود را به پهل‌پوت نخست‌وزیر سرنگون شده کامپوچ و نیروهای شکست خورده او قطع کند.

سدولیمایه، دبیرکل حزب حاکم جانائای هند در «سینا بر بررسی سیاست چین در آسیا»، که در دهلی نو تشکیل شده بود، اعلام کرد: «تا هنگامی که چین سیاست توسعه طلبی را ترک نکند، استقرار مناسبات عادی با این کشور ممکن نیست». وی متذکر شد که کوشش چین در راه تبدیل جنوب شرقی آسیا به منطقه نفوذ خویش صلح و ثبات‌اوضاع را در این ناحیه به خطر می‌افکند.

خبرگزاری فرانسه در تفسیری که به تشریح جنوب شرقی آسیا اختصاص داده اعلام کرده است که اوضاع در این ناحیه سخت متشنج است و احتمال می‌رود کشمکی دیگر میان چین و جمهوری سوسیالیست ویتنام آغاز شود که سراسر ناحیه، از جمله لاوس و بلایخس تایلند را دربر خواهد گرفت. تحریکات و مقاصد تجاوزکارانه و جاه‌طلبانه چین در این قسمت از جهان را با کانون تشنج و جنگ بدل کرده‌است. منابع دیوید در بانکوک اعلام کردند که تعداد نفرات چینی در این ناحیه، که در دوازده ماه اخیر تقریباً ثابت بوده است، اخیراً افزایش بسیار یافته است. کارشناسان نظامی عقیده‌دارند که ممکن است لاوس به صحنه جنگ جدید بدل شود. همین کارشناسان اعلام کردند که ناحیه معروف به تونکن شمالی در ویتنام، در یک مسافت ۴۵ کیلومتری، به شکلی قابل ملاحظه تقویت و تحکیم شده است، بنابراین حمله جدید مرزی چین برای سربازان این کشور سخت مرگبار خواهد بود.

خطر وقوع جنگ در این ناحیه هنگامی احساس می‌شود که به همدان‌های جمهوری سوسیالیست ویتنام توجه کنیم. این کشور اعلام کرد که چین در هفته‌های اخیر چند بار دست به تحریکات مسلحانه زده و اوضاع مرزی را سخت متشنج کرده است. «دو دوزه بازی» چین در عرصه دیپلماسی از ویژگی‌های روابط زمامداران مائوئیست پکن با دولت‌ها و ملت‌هاست. از یک طرف موشه‌دایان سردمداران پکن را در نبال لوادت و ضمن ابراز تمایل به استقرار روابط دیپلماتیک با چین گفت: «اعتقاد دارد که چین نیز مانند نیال از قرارداد صلح مصر و اسرائیل استقبال خواهد کرد»، از طرف دیگر ساؤکه‌شیانگ، سفیر چین در سوریه، ابراز عقیده کرد که «کشورش از مبارزه اعراب برای آزادی سرزمین‌های خود که از طرف اسرائیل اشغال شده پشتیبانی خواهد کرد».

روژیا و کلابرداری انتخاباتی

خبرگزاری فرانسه پایان انتخابات رودزیا و انتصاب ابل‌موزوروا، کشیش سیاه پوست را به مقام نخست‌وزیری رودزیا، که باید «دست‌پخت مشترک غرب و یان‌سویت» برای این کشور نامیدش، اعلام کرد. این «بروتوس» قاره سیاه اعلام کرد که «افریقای کرون رودزیا فاجعه آمیز است»، لکن رئیس گروه کشورهای افریقای در سازمان ملل اعلام کرد که «انتخابات رودزیا یک کلابرداری است و قصد از آن ادامه تسلط سفیدپوستان بر رودزیا است». از طرف دیگر کمیته «استعمارزدایی» سازمان ملل متحد «انتخابات» رودزیا را محکوم و کان‌لم‌یکن اعلام کرد. این کمیته از شورای امنیت سازمان ملل طلب کرد تا اقداماتی علیه رودزیا به عمل آورد.

کشورهای افریقای و کشورهای غیر متعهد نیز از شورای امنیت سازمان ملل خواستند که محکومیت انتخابات رودزیا و بطلان نتایج آن را اعلام کند. این کشورها، ضمن تسلیم قطعه‌نامه‌ای به شورای امنیت، از همه کشورهای جهان خواستند که از شناسایی دولت جدید اسقف موزوروا امتناع کنند. احتمال می‌رود که پیشنهاد کشورهای جهان سوم عضو شورای امنیت در این مورد، که این انتخابات، غیر قانونی و کان‌لم‌یکن اعلام شود، مورد تصویب قرار گیرد.

آنچه در حاشیه اخبار رودزیا در خور تامل و تذکار است فساد رژیم و رواج رشاء و ارتشاء در رژیم افریقای جنوبی است که از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری در سراسر جهان است. جان فورستر رئیس جمهوری آفریقای جنوبی از طرف مولدر وزیر اطلاعات کابینه خود، در ضمن مصاحبه‌ای که در هفته‌نامه «راپور» چاپ شد، متهم به رشوه دهی به عنوان حق‌السکوت شد. وی از یک حساب سری ده میلیون دلار برای خرید روزنامه امریکائی «واشنگتن استار» و مبالغی نیز برای تأمین هزینه روزنامه «سیتیزن» پرداخته بوده است.

در راه تشنج‌زدایی و گسترش و تحکیم صلح جهانی

لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی روز جمعه در ضمن گفت و گو با والری ژیسکاردستن، رئیس جمهوری فرانسه اعلام کرد که «قرارداد سالت ۴» (محدودیت سلاح‌های ستراتژیک) به زودی امضا خواهد شد. لئونید برژنف همچنین متذکر شد که گفت و گوهای شوروی و امریکا در این زمینه به مرحله نهایی خود نزدیک می‌شود.

خبرگزاری تاس درباره پیدایی دورنامه‌های امیدبخش جدید در افق مناسبات بین‌المللی و حصول پیشرفت‌هایی در راه تشنج‌زدایی و گسترش و تحکیم صلح جهانی، اعلامیه‌ای انتشار داد که به گفت و گوهای لئونید برژنف و والری ژیسکاردستن اختصاص دارد. خبرگزاری شوروی اعلام کرد که نتایج این مذاکرات همه کسانی را خوشنود می‌سازد که مشتاقانه خواستار تحکیم روند تشنج‌زدایی و تشدید مناسبات مبتنی بر همکاری شرافتمندانه و مسالمت‌آمیز میان مردم جهان هستند. تاس تصریح کرد که گفت و گو برژنف و دستن به پیشرفت تقاهم و تشنج‌زدایی بین‌الملل، مساعدت کرده است و همکاری میان اتحاد شوروی و فرانسه به نفع همه خلق‌ها و به سود امر گامش تهدید جنگ و تحکیم امنیت بین‌المللی و تقاهم است.

رئیس جمهوری فرانسه در بازگشت از سفر مسکو به هنگام ورود به پاریس، در ضمن گفت و گوئی با روزنامه‌نگاران اعلام کرد که سه قرارداد مهم با اتحاد شوروی منعقد کرده‌است. وی همچنین گفت که این سه قرارداد به همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور ارتباط دارد.

رئیس جمهور فرانسه سپس تصریح کرد که روابط اتحاد شوروی و فرانسه بر مبنای تشنج‌زدایی، تقاهم و صلح استوار است.

از صنایع ذوب آهن دفاع کنیم

می‌دارد ذوب آهن سالیانه سه میلیارد تومان (اظهار نظر شورای کارکنان مرکزی شرکت ملی ذوب آهن) ضرر می‌دهد، آقای امیرانتظام سخنگوی دولت پرورس ذوب آهن را غیر اقتصادی و غیر متداول عنوان می‌نماید، وزیر کار بزرگ‌ترین واحد کارگری کشور را تهدید به تعطیل می‌کند و بالاخره آقای بنی‌صدر از راه ای‌م‌ر‌س و با یک‌دیده در اجتمع ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن محل احداث کارخانه را مطالعه نشده و غلط اعلام می‌کند و دلیل این ادعا را ورود سنگ آهن از هندوستان می‌داند. ملما در این

مورد اشتباهی رخ داده است و گر نه سنگ آهن مورد لزوم از ناحیه یزد خودمان تامین می‌گردد. مطالبی که عنوان شده‌است برای ما تازگی ندارد. سالها بود که استعمارگران غرب و جیره‌خوارانش به تبلیغات وسیعی علیه این صنعت مادر وهلی دست زده بودند. اکنون برای ما کارکنان ذوب آهن باعث بی‌پستی تعجب است که مسئولین دولت ملی و محبوب چسرا ناآگاهانه و بدون توجه به ارقام و بیلان سالیانه این شرکت و برنامه‌های توسعه تحت تاثیر تبلیغات سوء قرار می‌گیرند. اینک بر ماست تا حقایق را برای ملت شریف ایران و دولت انقلاب اسلامی روشن‌نمائیم. ملت ایران به خاطر دارد زمانی را که پروفورر ارهارد وزیر اقتصاد وقت آلمان فدرال، که بعدها به صدراعظمی نیز رسید، در یک دیدار کوتاه از ایران با چلماتی به‌ظاهر متین و دلسوزانه ایجاد کارخانه ذوب آهن را حتی با حداقل ظرفیت برای ایرانی‌ها زودرس می‌دانست و دولت امریکا صحه بر آن نهاد و احداث هرگونه صنعت مادر و تکنولوژی صنایع سنگین را برای ایران غیر ممکن و پس‌لند پروازی دانسته و اقتصاد مصرفی، صنعت عاریتی، موتاژ و کم دوام را تجویز نمود تا سیاست کثیف جهان‌خواری خود را درخاورمیانه قوت ببشد.

استعمار ساکت نماند، بار دیگر چنگاکش را از آستین نوکران و سرسپردگانش چون عالیخان، انصاری و مجیدی بیرون آورد و با چوب لای‌چرخ گزاردن و اشکال تراشی مداوم صنعتی کند شدن روند این حرکت اصیل موجب و بالاخره بالارفتن هزینه‌های طرح و عقب افتادن تولیدشدند. سخن کوتاه کنیم، چون خیانت این-مزدوران وارباب‌مخلوعان بر همه روشن‌است که برای انجام رسالت خود تا توانستند پایه‌های اقتصاد مصرفی را در این کشور مستحکم نمودند.

انتخاب محل احداث کارخانه بر اساس مطالعات وسیع و با توجه به موقعیت معادن، مسئله آب انرژی نیروی انسانی و به‌طور کلی تاسیسات زیربنائی و اقتصادی و موقعیت جغرافیائی انجام گرفته است. بروس کارخانه ذوب آهن اصفهان همان روش کلاسیک و متداول در دنیا، یعنی تولید چدن از طریق کوره بلند و ذغال‌سنگ می‌باشد که حدود ۹۷ درصد کارخانجات دنیا با همین روش در حال تولید می‌باشند و اصولاً جهان صنعت‌روش شناخته شده و مطمئن دیگری نمی‌شناسد. و اما روش احیاء مستقیم هنوز مراحل آزمایشی را طی می‌نماید و در مقیاس کارخانه‌ای فقط برای استعمار صنعتی و به‌هدردادن سرمایه‌های ملی کشورهای جهان سوم و عقب‌افتاده بکار می‌رود، به طوری که موسس تحقیقات متالورژی فرانسه (ایرسید) در سینار بین‌المللی سال ۱۹۷۳ در رومانی قویا روش احیاء مستقیم را مردود اعلام می‌نماید، لکن همین موسسه با دریافت حق حساب کلان این پرورس را برای ایران توجیه می‌کند و مزدوران رژیم فاسد آب به آسیای کمپانی‌های چند ملیتی می‌ریزند تا صنایع فولاد ایران را به یک‌خوچه آزمایشگاهی تبدیل کنند و از این رهگذر صدها میلیون به‌جیب بزنند.

اشاره جناب وزیر امور دارائی و اقتصادی در مصاحبه رادیو تلویزیونی به سه میلیارد تومان زیان سالیانه کارخانه ذوب آهن موجب نگرانی و شگفتی ملت ایران گردید، به طوری که ما نیز از شنیدن این رقم تلم سخت تکان خوردیم. و اما بیلان تولید و مخارج کارخانه ذوب آهن در سال ۱۳۵۶ نشان می‌دهد که علاوه بر تأمین کلیه مخارج کارخانه و معادن وابسته، ۳۷۳ میلیون تومان بابت اصل و بهره سرمایه در گردش به بانک ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق به‌دارائی پرداخت نموده است و در مقابل ۱۷ میلیون تومان کسری داشته‌است. بنابراین ذکر رقم سه میلیارد تومان زیان را می‌توان فقط یک شوخی بزرگ‌ومایوس کننده تلقی نمود. ملما تهیه کننده گزارش اشتباه هزینه طرح توسعه کارخانه، معادن و تاسیسات وابسته را برای رسیدن به سه و نیم برابر ظرفیت فعلی کارخانه، که در جریان بهره‌برداری می‌باشد، با مخارج بهره‌برداری یک کاسه کرده و در حساب ضرر کارخانه منظور نموده است، در حالی که باید باین اصل توجه داشت که هرگونه سرمایه‌گذاری بمنظور توسعه و ایجاد کارخانه‌های جدید در جوار تاسیسات موجود و تجهیز معادن جدید برای بالا بردن ظرفیت تولید میبایستی فقط از طریق بهره‌وری از تاسیسات و کارخانه جدید

مشکل گردد و مسلم است که سرمایه گذاری برای توسعه کارخانه، معادن اکتشافات و شهرسازی نیاستی به‌عنوان زیان کارخانه محسوب شود. در حال حاضر کارخانه ماشین‌آلات طرح توسعه در دست اقدام است و تا حدود ۱۵ ماه دیگر بهره‌برداری کامل شروع خواهد گردید و سطح تولید از ۵۵۰ هزار تن به ۲ میلیون تن فولاد در سال افزایش می‌یابد و در نتیجه درآمد حاصل به بیش از ۶ میلیارد بقیه در صفحه ۶

به مناسبت چهاردهم اردیبهشت، سالگرد شهادت پنج رفیق آذربایجانی.

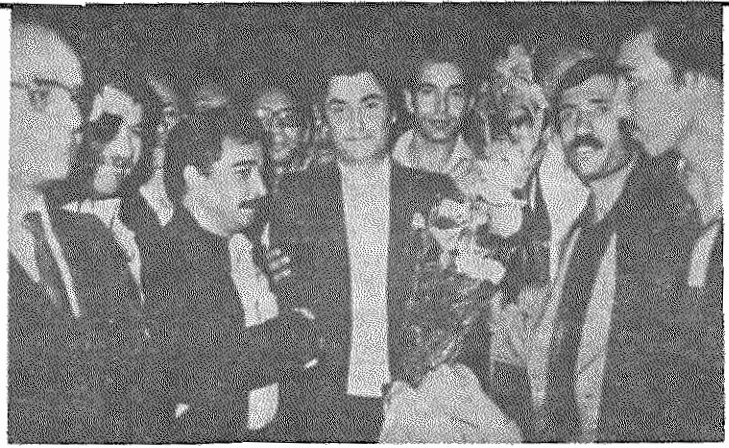


جواد فروغی، ایوب کلانتری، حسن زهتاب، علی آذری، علی عظیم زاده

یاد شهیدان خود را گرامی بداریم

تاریخ خونین مبارزات حزب ما بیانگر این حقیقت است که حتی در شرایط سخت اشتقاق پلیسی، مبارزان توده‌ای لحظه‌ای در رزم خود بر علیه رژیم فاسد پهلوی غفلت نکرده‌اند. در سال ۱۳۳۸، که ساواک به‌تازگی از بطن «سیا» و عمال جاسوسان آمریکائی به‌وجود آمده بود، یورش بیرحمانه‌ای را بر ضد مبارزان راه طبقه کارگر آغاز کرد، در شیراز، اصفهان، کردستان و آذربایجان و سایر شهرهای ایران ساواک برای خوش‌رقصی به‌اربابان خود و بخیر خود برای درهم کوفتن و

شکنجه‌های فراوان در ساواک تبریز و قزل‌قلعه تهران، در تبریز اعدام شدند، رژیم چاب و مستبد محمدرضا پهلوی با اعدام این رزمندگان راستین راه خلق، یک‌بار دیگر دست‌های پلید خود را به‌خون ملتی آغشته کرد که هرگز در مقابل جباران خون‌آشام و فاسد دودمان پهلوی سرتسلیم فرود نیاوردند و تا آخرین نفس بر علیه ظلم و ستم جنگیدند تا رژیم منحط محمدرضا را به‌گورستان تاریخ سپردند. اینک پس از گذشت ۱۹ سال، یاد این شهیدان خود را گرامی می‌داریم. گرامی باد خاطره همه شهیدان راه‌آزادی و استقلال ایران!



غروب روز یکشنبه نماینده فدراسیون عمومی کار، بزرگ‌ترین و بانفوذترین سندیکای کارگری فرانسه، برای شرکت در جشن اول ماه مه و آشنائی با جنبش سندیکائی ایران، وارد تهران شد و مورد استقبال نمایندگان عمده‌ای از سندیکاهای کارگری تهران قرار گرفت.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ثانیاً، دوربینی سیاسی را جانشین کوتاه‌بینی‌های ناشی از پیشداوری‌ها و برخورد‌های درست و یا نادرست در گذشته سازند. دوربینی سیاسی بما حکم می‌کند که تنها با گردهمایی همه نیروهای راستین انقلابی، که صادقانه در جهت رسیدن به هدف‌های اصیل انقلاب مبارزه می‌کنند، در یک جبهه واحد می‌توان دسائی ضد انقلاب را نقش بر آب کرد، دشمنان را سرکوب نمود و امکان سازش را از نیروهای متزلزل گرفت.

ادامه تفرقه در میان نیروهای اصیل انقلابی، ادامه جنگ‌های خانگی درجه‌بندی مبارزان راه خلق، بزرگ‌ترین کمک به‌نیروهای ضد انقلاب است. در چنین جو بیمار، کارگزاران امپریالیستی، ساواکی‌ها و سایر دشمنان سوگندخورده جنبش انقلابی ایران می‌کوشند هواداران سوسیالیسم علمی را از صفوف میلیونی مبارزانی که زیر پرچم اسلام در جنبش انقلابی شرکت دارند، جدا سازند، خلق‌های ایران را در برابر هم قرار دهند، شیعه و سنی را به‌جان هم اندازند، در درون صفوف هواداران سوسیالیسم علمی، با رخنه‌دادن ده‌ها «ایم» قلابی، تخم نفاق و دشمنی تا حد برادرکی‌پباشند. در چنین جو بیماری است که ضد انقلابیون حرفه‌ای و وازدگان جنبش انقلابی، همکاران نیکخواه‌ها و جعفریان‌ها، با پخش زهرهای گوناگون، با وارد کردن اتهامات بی‌پایه می‌کوشند تا محیط سیاسی و جو همکاری نیروهای راستین انقلابی را مسموم سازند و بر سر راه تردیکی و بهم‌پیوستگی این نیروها سدهای رنگارنگی به‌وجود آورند.

سخن کوتاه: ضد انقلاب هر روز جورتر و هارتر می‌شود، سازشکاران و نیمه‌براهان هر روز آشکارتر و فعال‌تر عرض اندام می‌کنند. حزب توده ایران، با بهره‌برداری از تجربیات گران‌بهای تردیک به‌چهل سال مبارزه بی‌گیر و آتشی‌ناپذیر خود در راه استقلال ملی، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی زحمتکشان، و با آموزش از تجربه ده‌ها و ده‌ها جنبش انقلابی پیروزمند و ناکام در سراسر جهان، با احساس سنگین‌ترین مسئولیت تاریخی، به‌مه نیروهای راستین انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی ایران رومی‌آورد و از آنان مصرانه می‌خواهد که در راه ایجاد شرایط لازم برای یک تبادل نظر فوری و بدون درنگ، همه امکانات خود را به‌کار اندازند.

به‌نظر حزب توده ایران، عمده‌ترین مسائلی که باید در این تبادل نظر-مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار گیرند، عبارتند از:

۱. پیدا کردن راه‌های عملی برای مقابله جمعی و هماهنگ علیه دسائی اهریمنی امپریالیسم، صهیونیسم، مانوئیسم و ارتجاع ایران؛
 ۲. تلاش هماهنگ برای فاش‌کردن و خنثی ساختن کوشش‌های سازشکاران در جهت تفرقه‌اندازی در جبهه متحد نیروهای انقلاب، کوشش‌هایی که در روزها و هفته‌های اخیر به‌طور آشکار و یا نهفته، موضع‌گیری‌های قاطع و بی‌گیر امام خمینی و رهبری سیاسی ایشان را به‌جنبش انقلابی مورد سؤال! و حمله مزورانه قرار داده‌اند؛
 ۳. تنظیم یک برنامه مشترک و متحد برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش شکوفان آینده آن در جهت خواست‌های مبرم و بنیادی خلق‌های ده‌ها میلیونی میهن ما؛
 ۴. تلاش متحد برای تدارک طرح قانون اساسی جدید، که بازتاب همه‌خواست‌های انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی مردم ایران باشد؛
 ۵. تشکیل جبهه متحد برای تشکیل مجلس مؤسسانی که بدون چون و چرا این قانون اساسی را تصویب کند و نظام ملی، دمکراتیک و خلقی آینده ایران را پایه‌گذاری نماید؛
 ۶. کوشش دسته‌جمعی برای بوجود آوردن دولت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای راستین انقلاب ایران، دولتی که می‌تواند یگانه ضامن اجرای قانون اساسی باشد.
- کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

چه کسانی امپریالیسم امریکا را فراموش می‌کنند...

و از جانب محافل مذهبی نیز به‌حدکافی افشا نمی‌شوند. رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، اول ماه مه را با پیام آیت‌الله خمینی آغاز کرد. این پیام سر تا پا تجلیل از کار و کارگر بود. در آن حتی یک کلمه که بتوان مستمسک تفرقه‌افکنی قرار گیرد، وجود نداشت. پیامی بود در جهت وحدت صفوف کارگران، در جهت نبرد ضد امپریالیستی و ضد استعمار. امام خمینی، همواره به‌ویژه در هفته‌های اخیر، در تمام پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به‌طور صریح و تأکید و اصرار، نقش خرابکارانه و جنایت‌کارانه امپریالیسم امریکا را افشا کرده و مردم را به‌نبرد علیه آن دعوت کرده‌اند. ممکن نیست یک‌نفر مسلمان صدیق باشد و با وجود این نظر صریح امام بگوید که به‌انواع دستاویزها، امپریالیسم امریکا را از زیر ضربه بیرون کشد و مبارزه مردم را به‌سمت دیگری متوجه کند. ممکن نیست یک‌نفر مسلمان صدیق باشد و ضرورت وحدت صفوف خلق را، آنچه را که امام خمینی «وحدت کلمه» می‌نامد در هر کجای که می‌رود، «همه باهم»، درک نکند و برای اخلاص و تفرقه‌افکنی از قبل تدارک به‌بیند. فراموش کردن امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و شعار دادن علیه جنبش کارگری و همبستگی بین‌المللی کارگران - آنهم درست در روز اول ماه مه - فقط نشانه عقب‌ماندگی فکری نیست. خنده‌دار هم نیست. توطئه‌ایست برای تفرقه‌افکنی، خدمت به‌امپریالیسم و خربزدن به‌انقلاب. حزب توده ایران، که مدافع راستین وحدت صفوف ضد امپریالیستی مردم ایران و حزب بلشفه کارگر ایران است، به‌همه مبارزین صدیق انقلابی اعم از مذهبی و غیر مذهبی، هشدار می‌دهد: نگذاریم امپریالیسم را از زیر ضربه بیرون آورند، نگذاریم سبت اصلی نبرد را، که ضد امپریالیستی و به‌طور مشخص ضد امپریالیست است، تغییر دهند. کسانی که چنین می‌کنند در هر لباس باشند به‌امپریالیسم کمک می‌کنند.

روز کارگر، به جشن عمومی تبدیل شد

ما خواهان ملی شدن سرمایه بانک‌های وابسته به امپریالیست‌ها و عمال ایرانی آن‌ها هستیم. ما خواهان اخراج کلیه مستشاران و کارشناسان وابسته به کشورهای امپریالیستی، به‌ویژه امپریالیسم امریکا هستیم. ما از استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنیم. ما خواهان تغییر قانون کار به‌سود کارگران هستیم. ما خواهان مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان هستیم. ما خواهان تأمین کار برای کارگران بیکار هستیم. ما خواهان منع بهره‌کشی از کار کودکان هستیم. ما خواهان دستمزد مساوی در برابر کار مساوی برای زنان کارگر هستیم. ما خواهان تأمین حق اعتصاب برای کارگران هستیم. ما خواهان آزادی فعالیت سندیکائی هستیم. ما خواهان شرکت کارگران در اداره امور موسسات صنعتی و کشاورزی هستیم. ما خواهان رفع تبعیض حقوقی بین کارگران موسسات دولتی و خصوصی هستیم. ما خواهان حمایت کامل دولت از صنایع داخلی هستیم. ما خواهان منع ورود کالاهای هستیم که تولید مشابه آن‌ها در داخل کشور امکان‌پذیر است. ما خواهان جلوگیری از تعطیل مؤسسات تولیدی تحت هر عنوان هستیم.

نکته‌هایی در حاشیه مراسم اول ماه مه

آنچه در راهپیمائی‌ها و تظاهرات کارگران و زحمتکشان در روز جشن کارگر جلب نظر می‌کرد، شعارها و پیام‌های بی‌شمار وحدت‌طلبانه از یک سو و جنبه شدید ضد امپریالیستی شعارها و محتوای بسیاری از پلاکات‌ها از سوی دیگر بود.

شعار: «امریکا... امریکا... دشمن خلق ایران» و «بر علیه توطئه‌های امپریالیسم امریکا متحد شویم» و یا «امپریالیسم امریکا، خونخوارترین خصم کارگران» و نظایر آن در پرچم‌ها و پلاکات‌ها موج می‌زد و یا در غرش صدها هزار دهان در فضا می‌پیچید.

تعداد بسیاری از عکس‌های شهدای کارگر، بر روی تابلوهای کوچک دستی توسط راهپیمایان حمل می‌شد. اینان کارگرانی بودند که در گرماگر انقلاب خونین ایران، در سنگرها در خیابان‌ها به‌خاک و خون در غلغله بودند. انبوه تصاویر این شهدا، به‌نحو صریح و روشنی از شرکت وسیع و نقش قاطع کارگران، نه‌تنها در سنگرهای حساس و سرنوشت ساز اعتصاب، که ستون فقرات رژیم جنایت پیشه را شکست، بلکه در مبارزات رودر روی خیابانی و سنگرهای مسلح، حکایت می‌کرد.

تعداد بسیار انبوه شرکت‌کنندگان غیر کارگر، اعم از روشنفکر و دانشجو و دانش‌آموز و کارمند و کاسب و غیره در جشن اول ماه مه، نشانه نوعی سیاس و ابراز همبستگی طبقات و قشرها و گروه‌های ملی نسبت به‌کارگران، به‌خاطر نقش تعیین‌کننده آنها در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران بود. در واقع جشن روز کارگر به‌یک جشن پرشور و هیجان عمومی و ملی بدل شد، که خاطره راهپیمائی‌های عظیم‌روزهای پیش از انقلاب را به‌یاد می‌آورد.

تعداد بسیار تنوع پوسترها، اعلامیه‌ها، جزوات، شماره‌های ویژه روزنامه‌ها، به‌خاطر روز کارگر، که در و دیوار و خیابان‌ها را پر کرده بود، تاکنون به‌مناسبت هیچ‌جشن یا مناسبت دیگری، در ایران دیده نشده است. کمتر سازمان سیاسی و صنفی و مذهبی و کمتر کانون و انجمنی بود که به‌خاطر جشن اول ماه مه از چند هفته پیش ابتکار و تلاشی به‌خرج نداد. اقلیت‌های ملی و مذهبی نیز با چاپ اعلامیه و پوستر و برپاداشتن پلاکات و شعارهای پارچه‌ای، در تجلیل عظیم مردم ایران از طبقه کارگر شرکت کردند. جشن روز کارگر به‌این ترتیب به‌یک میعادگاه وحدت و هماهنگی ملی تبدیل شد.

از خانه کارگران

جمعیت زیاد دیگری از کارگران، دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌دعوت «شورای هماهنگی بنیاد جمع در مقابل خانه کارگران، واقع در خیابان ابوریحان، به‌حرکت درآمدند.

قطع رابطه ایران با مصر را

تهنیت می‌گوئیم

به دستور امام خمینی رابطه ایران با مصر قطع شد. این تصمیم گام مثبت دیگری است که در مبارزه مردم ایران بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم برداشته می‌شود. ما این تصمیم درست و انقلابی را تهنیت می‌گوئیم و امیدواریم که ایران، با پی‌گیری در سیاست انقلابی خود، جبهه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلق‌های خاور میانه را هرچه بیشتر متحد و تقویت کند.

فرزوم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

فصلا هفته‌ای یکبار، روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی هوقت: تهران، خیابان ۱۶ آذر روبه‌روی دانشکده فنی، شماره ۶۸.

راهپیمایان در پلاکات‌های خود، خواست‌های سیاسی و صنفی کارگران را اعلام کرده بودند و در حالی که شعار می‌دادند: اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد - نباید کارگر اخراج گردد، حقوق کارگر پرداخت گردد - کارگران ایران، ستون انقلابند - صنایع وابسته ملی باید گردد. - یک زندگی بهتر، اینست شعار کارگر در مسیر خیابان جمهوری (شاه سابق) حرکت کردند و وارد خیابان فردوسی شدند. در این خیابان، راهپیمایان قطعنامه زیر را خواندند: هرچه زودتر کارخانه‌ها، بانک‌ها، مؤسسات بیمه، شرکت‌ها، معادن و زمین‌های سرمایه‌داران خارجی و شرکاء داخلی آنها ملی گردد. - کلیه قراردادهای نابرابر سیاسی، اقتصادی و نظامی اسارت بار با کشورهای امپریالیستی بخصوص قراردادهای نفتی باید لغو گردد. - اخراج کلیه کاشناسان کشورهای امپریالیستی و جایگزینی متخصصین ایرانی صنعتی کردن کشور از طریق ایجاد و توسعه صنایع مادر باید عملی گردد. - ضمن محکوم کردن هر نوع تجزیه‌طلبی، از حقوق ملی خلق‌های ایران حمایت کرده و تضمین این حقوق را در قانون اساسی آینده خواستاریم. - زمین‌های مالکان و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به‌دربار مصادره و باید به شوراهای دهقانی سپرده شود. - قانون اساسی جدید باید منافع زحمتکشان باشد. - قوانین کار ضد کارگری فکری لغو گردد و قانون کار جدید با شرکت‌نمایندگان واقعی کارگران شامل موارد ذیل باید تهیه شود.